

کارگران جهان متحد شوید!

۱۲۷

سکار

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۳۰۴۰ روال

۱۳۶۰

سال سوم - دوشنبه ۲۲۵ تان

انقلاب پرشکوه

کارگران و زحمتکشان ایران

رژیم جمهوری اسلامی را به

گورستان تاریخ خواهد سپرد!

کاروان سرخ صدها شهید کمونیست و انقلابی،
 ناقوس مرگ رژیم را به صدا درآورده است

مرگ آنان سرود سرخ رهایی را رساتر کرد!

۱- رفیق شهید محمود حسنی مقدم (سعید)
 ۲- رفیق شهید باقریزدانی (برزو)
 ۳- رفیق شهیدها شم کرمی
 ۴- رفیق شهید اسماعیل حسن وند

سخندان اخیر وزیر خارجه امپریالیسم آمریکا و افسانه ضد امپریالیست بودن رژیم

چندی پیش! الکساندر هیک وزیر
 امور خارجه دولت امپریالیسم آمریکا
 و یکی از بهترین سیاستمداران
 آن، در مصاحبه ای پیرامون اوضاع
 ایران اعلام کرد، که "دولت آمریکا
 سیاستها را تعقیب میکند که منجر
 به روی کار آمدن رژیم میانه رویی
 در تهران شود که با منافع ارزشهای
 آمریکا سازگار باشد". این گفته
 "هیک" مطابق معمول، از جانب
 محافل مختلف رژیم ارتجاعی
 جمهوری اسلامی، رویزیونیست ها و
 سوسیال امپریالیست ها، با تبلیغات
 و هیاهوی فراوان بعنوان "شاهد"ی
 دیگر بر خصمت "ضد امپریالیستی"
 رژیم جمهوری اسلامی و ضدیت
 طبقاتی امپریالیسم آمریکا با آن
 از این زاویه، علم گردید و تبلیغات
 عوام فریبانه ای پیرامون آن بنا
 شد. بطور کلی، وجود تضافات معینی
 بقیه در صفحه ۲

مقاومت انقلابی نفتنگران مبارز پالایشگاه

در صفحه ۳

کارگران سایپا در مقابل یورش ارتجاعی

در صفحه ۴

بندر عباس: یورش ارتجاع حاکم به دکه داران زحمتکش

بقیه در صفحه ۹

شهادت سه رفیق پیشمرگه قهرمان در کامیاران - برگ دیگری از جنایات حزب دمکرات و مزدوران رزگاری

در صفحه ۲۰

در این شماره می خوانید:

اعتراض دسته جمعی کارگران اتاق سازی بترخاور
 در صفحه ۳

گزارشی از کارخانه سایپا
 در صفحه ۴

رویزیونیسم آراسته بانوماریف و بازتاب آن در میان سائریستها (۴)
 در صفحه ۶

بمناسبت شصت و چهارمین سالگرد انقلاب کبیرا کتبر و استقرار
 حاکمیت شوراهای
 در صفحه ۱۲

سرنگون باد رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی

بقیه از صفحه ۱ سخنان ۰۰۰۰۰

میان امپریالیسم آمریکا و ارتجاع
ما کم بر ایران و شکل گیری بیسکار
بحران سیاسی در مناسبات و روابط
دیپلماتیک و سیاسی آنها، همواره
بمعنای یک ابزار هوا مفریبا نصد
برای پراکندن توهم "فصلت ضد
امپریالیستی رژیم" در میسکان
توده ها و نه تنها توده ها بلکه حتی نیرو
های آگاه، مودسه برداری های فراوان
قرار گرفته است در یک تحلیل عمومی
این تنها شکر در رژیم ایران نیست
بلکه رژیم های متعددی که ویژگی
آنها، دارا بودن نوعی مسکن
و ایستکی آشکار روسیاسی است
امپریالیسم است، و با سوسیالیسم
امپریالیسم شوروی و کشورهای
وابسته به آن، که تضادهای آن با
امپریالیسم آمریکا از نوع تضادهای
درون امپریالیستی است، از این
وسيله برای پوشاندن ماهیت ضد
انقلابی خویش و پوشاندن لیسای
ضد امپریالیستی برپیکرکننده و
ارتجاعی خویش سود میجویند.
کشورهای از نوع لیسای با سوریسم
والجزایر، از این قبیل اند.
این کشورها در حالیکه وابستگی
های ایران اقتصادی به سرمایه
داری جهان غرب دارند، و سوسیالیسم
مناسبات آسارتباری با سوسیالیسم
امپریالیسم شوروی ایجاد کرده اند
و در حالیکه نقش عمده را در سرکوب
واستشمار کارگران و زمینخشان
داشته و کوچکترین اعتراضات آنها
را بشکل وحشیانه ای سرکوب
میکنند و بدترین نوع خفقان را در
کشورهای خود برقرار ساخته اند،
ما کم ضد امپریالیستی و مردمی بر
چهره زده و این فریبکاری و پوشش
ضد امپریالیستی را به وسیله ای برای
ادامه بقا و حیات سرمایه داری
جهانی بطور کلی و در کشور خود بطور
مشخص تبدیل نموده اند. رژیم
لیسای در حالی دم از مبارزه بر علیه
امپریالیسم میزند که تا روپسود
اقتصادی اش بطور عمده به
کارتلهای نفتی امپریالیستی
وابسته است. الجزایر در حالی دم
از مبارزه ضد امپریالیستی میزند
که بطور مثال در همین یکسال گذشته
بزرگترین قرارداد دگازی جهان را
با نرخ بسیار پایین تری از نرخ
متوسط بین المللی آن با امپریالیسم
امریکا است. بطوریکه حتی سرودهای
هواداران اروپا قریب خود را که آن
را رژیم "ضد امپریالیست" قلمداد
میگردند، در آوردن سوربه، ایسین
رژیم با اصطلاح ضد امپریالیست، هنوز
بیش از ۶۰ درصد مرادوات اقتصادی
- اش با امپریالیستهای فریبی
است و سیل کالاهای مصرفی و نیمه-
ساخته سرمایه داری غرب، بطور
مداوم و در ابعاد فزاینده به سمت
این کشور سرازیر است. و اینها همه

جلوه های از مناسبات اقتصادی
آنها با امپریالیستهای فریبی
است که عهده دار مبارزه با بیسکار
میرنند و خود را بعنوان هدیه مصلحت
از این عمل،
اولا کشورهای از این دسته
یکی از "راه عمل"هایی است که
سرمایه داری جهانی، چه نوع فریبی
و چه نوع خرفی آن، برای قلمبه سر
بحران سرمایه داری و جلوگیری از
انهدا عکامل آن و برای حفظ عطا
حیاتش به این جهت مصلحت میجوید.
همانطور که در طول تاریخ معاصر
اروپا، سوسیالیسم فکری، بعنوان
درجه ایستیمانی جزای فروشاندن
بحران انقلابی در کشورهای ملوک
فرب و عمل میگرد، در مقاطع مختلف
او جلوگیری بحران انقلابی و تضادهای
در این جزامع و ملایبها با مسووج
ضربی بوده ای. و انقلاب ما در آستان
داشتن یک سری فریجه ها به میدان
گذاشته است تا داری و شفا بخشی
برای نجات سرمایه داری و بحران
درونی آن باشد (که اکنون نیز به
نظر میرسد، اروپا میروند که جنبش
حائلی را ایجاد میگردند) و در دست
همانطور که جنبش کشورهای سوسیالیسم
اصطلاح فریب میزند، برای آوردن
میلاذی و دقیقاً به طریقه انحصاری
گشادن موج مبارزات او جلوگیری
پس از جنگ دوم جهانی با تزگذاری
نه شرقی - نه غربی و در واقع نه
کمونیسم، نه امپریالیسم، شکست
گرفت تا بیستگیری مبارزات توده
ها را به سوی انقلاب و سوسیالیسم
جهانی، متوقف ساخته و در شکست
ظرفیت و عملیانه تری از گسستن حلقه
زنجیر کشورهای سرمایه داری جلوه
گیری کرد و این کشورهای را در ملوک
امپریالیسم نگذاشت، آرد، اکنون بی-
تامل و بیباکانه به سیمای کشورهای
با اصطلاح غیر متعهد، که اکثر آنها
وابسته به ملوک های مختلف
امپریالیستی هستند و با حفظ
نوعی استقلال نسبی سیاسی، در
اردوگاه ارتجاع جهانی خویش را
حفظ کرده اند، بعنوان محتسوا و
مضمون واقعی این نهفت، "نفسه
خرقی - نه غربی" را مشاهده کرد.
سرمایه داری جهانی، چرا زچندگانه
به چنین "رژیم ها" و "نهفت ها"ی
نبار زده ای آنها را تحصیل میکند تا
با از دست دادن برخی جنبه مسووج
تا گتیکتی و حتی مهم، مانع آسای
واستراتژیک و سیاسی خویش را در
عرصه کشورهای جهان حفظ نماید
در همان حال که با این کشورها دارای
تضادهای مضمینی نیز هستند. تا آنجا
که به امپریالیسم غرب مربوط می-
شود (بویژه امپریالیسم آمریکا)،
این سیاست تا آنجا "مجاز" است که
اولا در این کشورها، امکان ایجاد
و یا حفظ و بقای یک رژیم کاملاً
وابسته و مزدور و کاملاً مطلوب وجود

نداشته باشد و ثانیاً این رژیمها
ستوانند بحران سیاسی را از میان
برده و "شاید" را به کشورهای زگرددند
و انقلاب را فرو نمانند، و ثانیاً
این رژیمها را در ادوگاه امپریالیسم
غرب همچنان باقی بمانند و به صورت
اردوگاه رقیب یعنی سوسیالیسم
امپریالیسم شوروی غلبه و مدیسی
فرستاد "رقیب و امیر" ما بیسکار وی
مالک نگرددند.
در مورد رژیم جمهوری اسلامی و
مناسبات سیاسی امپریالیسم
امریکا با آن نیز، همین ملاحظاتی
هست که جنبش جهانی حکومت کمونیسم
جمهوری اسلامی، از ابتدای استقرارش
نسبت به رژیمها، رژیم ای. ال. و
کاملاً مطلوبی برای امپریالیسم
امریکا نبود، اما مانع استقلال و
امریکا و نیز تضادها با قوای موجوده
و ترکیب اضافی قدرت سیاسی و
نفوذ و جایگاه امپریالیستها در آنجا
میگردید که در آخرین لحظات یک رژیم
عقلیت، آمریکا به پای بیسکار
مبارزات داخلی برای استقرار رژیم
جمهوری اسلامی، برود و چنین میگرد
و پس از این استقرار نیز امپریالیسم
امریکا، با نظر به این تضادها و
شواهد گوناگونی، ال. ال. و
پشتیبانی از این رژیم دست یازید
اما با گذشت زمان، به تدریج ایسین
واقعیات روشن شد که بحران سیاسی
ما همه ایران، بحران بیرونه ایسول
جنبش بیسکار، مانع مانع رژیم
جمهوری اسلامی، مانع مانع ایسین
نیست، در کنار این واقعه تغییر
تضاد قوای نیروهای درون حکومت
به زبان امپریالیست که تمام آسکار به
امپریالیسم غرب داخضت و در طمسول
حیات فعلی خود در دوره دولتیست
هوکت به بهترین وجهی این را به
نمایش گذاشته بودند، و بدینج
حزب جمهوری اسلامی، که بواسط
تضاد در میان ملوکهای امپریالیستی
بوده و حتی گرایش نیروی مندی در آن
نوعی تضاد به امپریالیسم شرقی
را نشاندهی میگرد، نیز دسترس
امپریالیسم غرب را به سمت تمام
بیشتر با رژیم جمهوری اسلامی، و
دست خستن از همان جهت از آن و
دل بستن به یک حکومت میماند و
که در واقع شرایط مانع مانع فوق را
به جا همه ایران با زگرددند، سوق
داد، و این تضادها را همان مقطع
مبارزات که بر آسکار یک بحران
دیپلماتیک در مناسبات رژیم ایران
و آمریکا بود، شکل گرفت، بیسکاری
درست از همان زمانیکه رژیم جمهوری
اسلامی، به یک رژیم برای فریبی
هوا مفریبا نه برای جلوگیری از سیر
روبه انحطاط با بیگانه شدن
توده ها از یک سو و تضادها با میان
دو جناح اصلی حکومت از سوی دیگر
بود، و نیز از منظر دید، این حرکت در
بقیه در صفحه ۱۳

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست



اعتراض دسته جمعی کارگران اتاق سازی بنزخاور

قسمت اتاق سازی شرکت اتومبیل سازی بنزخاور و رشتیه ۶۰/۸/۳ از کار دست کشیده و یکبارچه بطرف "شورا" رفته و خواهان افزایش ۲۵ ساعت "پورسانت" و گرفتن "حق نهار" ماه گذشته میشود. اعتبار دسته جمعی کارگران نصف روز طول میکشد بطوریکه تولید کارخانه نصف میشود. حرکت اعتراضی و اعتراضی کارگران در دونوبت دیگر با درجه کمتری تکرار میشود و کارگران با کم کاری و زدن پ تولید به مبارزه خود ادامه میدهند. شورا و مدیریت ضد کارگری که با اعتراض یکبارچه کارگران روبرو شده بودند از ادب پاسخ ظفره رفته و قرار است بعد از اصلاح بررسی به آنها جواب دهند. آنچه که اهمیت دارد اینست که این مبارزه در قسمت مونتاژ کارخانه در دوره اخیر که با یورش فشرده رژیم جمهوری اسلامی مواجه است سابقه نداشته است. این حرکت دسته جمعی و قهرمانانه نشان میدهد که کارگران از خفقان و پاداران سرمایه نی هراسند و برای حقوق حقه خویش حاضرند قاطعانه مبارزه کنند. آنچه که در این حرکت دسته جمعی اعتراضی کارگران قسمت اتاق سنگین بنزخاور با دیدن آن توجه کنند توضیح اهدافشان به کارگران سایر بخشهاست. آنها با دیدن تمام کارگران کارخانه تماس گرفته و آنها را به اعتصاب همگانی فراخوانند.

مبارزه اگر فقط در یک بخش جریان داشته باشد دشمن آنرا نتواند متوقف کند. تراشکست دهد به همین خاطر کارگران بنزخاور با صفوفی متحد در مقابل شورا و مدیریت و پاداران سرمایه باید قیام بگیرند. لازم است مبارزه و مقاومت علیه سرمایه داران و دولت حامی سرمایه داران اتحادی و فشرده کارگران است.

بجای وام مسکن کلوله پاسداران

صداها کارگر بعد از اینک

شنیدند رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی میخواهد به کارگران وام مسکن بدهد به بانک رفاه کارگران کرج مراجعه کرده و خواهان وام میشوند. کارگران که جزا استشار بیشتر چیزی عایدشان نشده است و فاقد رفاه زندگی میباشند و بارها در تجربه خود دیده اند که رژیم جمهوری اسلامی نهان میدهد و نه ممکن، این بار نیز برای مسکن به کارگران رژیم رجوع نمودند. البته کارگران چندان آمیدی نداشتند که دولت سرمایه داری به همه کارگران وام مسکن دهد و لسی بهر حال یکبار دیگر با بد تجربه میگردند و می دیدند که رژیم حاکم، دشمن کارگران است. مسئولین دولتی و پاداران سرمایه که با تجمع صدها کارگر بی مسکن روبرو شده بودند و احتمال آیین راضی دیدند که آنان به تحمیل دست زنند، به سر نیزه متوسل میشوند. کارگرانی که در انتظار وام بودند با تفنگهای ژ-۳ پاداران مواجه میشوند. مدافعین سرمایه داری به کارگران شلیک میکنند و در این حمله صد نفر کشته شدند و یکصد نفر زخمی و مجروح شدند. کارگرانی که در مقابل بانک تجمع نموده بودند در مقابل تیراندازی شدید پاداران چنانستکه با کینه ای بی بزرگی علیه سرمایه داری و رژیم حاکم متفرق میشوند.

انعکاس این واقعه در کارخانه نجات نزدیک به کرج بخصوص کارخانه "لندور" بسیار زیاد بود. کارگران "لندور" در طی دوروز دوباره مسکن و کشتار کارگران توسط پاداران رژیم محنت میگردند. کارگران میگفتند: "اینها در حرف دم از مستضعف میزنند در حالی که خودشان مخالف سرکشت ما هستند" سپس در خطابه دولت حاکم میگویند: "اگر شما طرفدار مستضعف هستید چرا بجای وام کلوله به ما میدهند. در حقیقت کارگران با این سخنان افشاگرانه ماهیت ضد کارگری رژیم را برملا کرده و روحیه همبستگی طبقاتی با سایر کارگران را بنمایانند. میگذارند، تنها جم فدائ انقلابی پاداران به کارگران یکبار دیگر نه تنها به کارگران تجمع کنند بلکه به علاوه به کارگران دیگری که در جریان این واقعه قتل گرفتند نشان دادند که رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی قادر نیست خواسته های حق طلبانه کارگران را پاسخ گوید و جزستم و استعمار بیشتر و جکلوله چیز دیگری به کارگران نمیدهد. آزادی واقعی کارگران فقط و فقط در سوسیالیسم است.

یورش ارتجاع به کارخانه "دیو"

روز پنجشنبه ۶۰/۷/۱۶ بعد از پایان کار روتی کارگران سوار سرویس شده و میخواهند کارخانه را ترک کنند، دژبان در مانع از این کار شده و کارگران از ساعت ۱۱/۵ تا ساعت حدود ۲ معطل میمانند و هر چه علت را جویا میشوند کسی به آنها جواب نمیدهد. بالاخره کارگران بدون آنکه دلیل دوما علت معطلی را بفهمند اجازه میباشند که به خانه بروند. کارگران روز شنبه که به سرکاری آیند متوجه میشوند که ۶ تن از کارگران مبارز کارخانه را دستگیر کرده و به زندان اوین برده اند. (الته در اوایل همان هفته دوتن دیگر از کارگران را دستگیر کرده بودند) کارگران دیدند که تمام کمدها شکسته و با زرسی شده اند. از آن روز به بعد جو خفقانی در کارخانه حکمفرماست. در ورودی بدن تمام کارگران را میگردند و آنها را کنترل میکنند. در حین ساعت کار، کارگران نمیتوانند به کارگاههای دیگر رفت و آمد کنند، تمام توالیها را مورد اورد، برای کمدها قفل جدید گذاشته اند و یک کلید کمدها را پیش خود نگاه میدارند تا در مواقع ضروری به با زرسی کمدها بپردازند و غیره. کارگران کارخانه شدیداً سست به این جو خفقان و یورش ارتجاع اعتراض داشته و از دستگیری دوستان کارگر خود معترض میباشند.

مقاومت انقلابی

نفتگران مبارز پالایشگاه

چنانکه در خبرنامه ۱۶ آمده است: با صدور اطلاعیه ای از سوی عرصی حلامنی سزاقتن ساعت کار به ۲۴ ساعت در هفته و لغو تعطیلی پنجشنبه ها و همچنین قطع حق کارگاهی، صدای اعتراض نفتگران مبارز از هر سو بلند میشود و اکثریت کارکنان پنجشنبه به سرکار حاضر میشوند. اینک رژیم که در مقابل مبارزات دلورانه نفتگران مبارز در مانده و زیون گردیده است چماق تهدید خود را از آستین دادگاه انقلاب اسلامی شیراز بیرون آورده و بخشنامه ای صادر کرده است که اگر کارگران در سرکار حاضر شوند چنان و چنین حواهم کرد و اخراجشان خواهد کرد!

در تاریخ ۶۰/۷/۸ روی قسمت های مختلف نامه بیدادگاه ضد انقلاب را آورده و برای کارکنان



هر سمت خواندند (متن نامه در همین خرنما آمده است) در بالای نامه جمله‌ای با این مضمون نوشته شده بود که "بخشنا مه را خوانده و امضاء بفرمائید" روای مزدور که از پایداری کارکنان برای حفظ خواسته‌های خود و نفرت علیه مزدوران حکومتی بحوسی اطلاع دارند به ریاست کاری متوسل شده و اعلام میکنند که امضاء برای این است که با مصالح نامه را شما خوانده و نه اینکه متن آنرا هم قبول دارید!! و بدین وسیله عده‌ای را گول زده و از آنها امضاء میگیرند. در این میان نماینده شورای اسلامی که یک خاشاک توده‌ای است به خوشترقی پرداخته و با توسل به همین حربه سعی میکند از کارکنان امضاء بگیرد. اکثریت کارکنان متن مذکور را امضاء نکردند در ساعت ۳/۳۰ دقیقه همین روز هنگامی که کارکنان مسجود شدند به خانه بازگردند یک ژاندارم مسلح بدست و یک گاردی در مقابل جاده ایستاده و به اتوبوسها اجازه حرکت نمیدادند. بعد از چند دقیقه یک جیب آهوی با تعدادی پایداری آنها ملحق شده و دم در پالایشگاه ایستاده و داخل یک اتوبوسها رفته و به کمک یکی از انجمن اسلامیهای پالایشگاه، اسامی عده‌ای را خوانده و در حدود ۲۵ نفر از کارکنان مبارز را دستگیر کرده و با خود میبرند!

از رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی که هر روز خون پاکترین فرزندان کارگران و زحمتکشان را بجرم دفاع از آزادی و انقلاب سر زمین میزبندیش از این انتظاری نیست!! سرمایه داران خونخوار که از شیر جان زحمتکشان کسبه گشا خود را پر میکنند باید که کارکنان مبارز را صدا انقلابی بدادند و دست آنها را از اجراج کنند!

نفتگران انقلابی!! متحد و یکمدا، مبارزه برای کسب خواسته‌های خود ۴۰ ساعت کار در هفته را کمترش داده و بیگیرانه برای آزادی همکاران در بند خود و بازگشت کارکنان اجراجی به سرکار به مقاومت برخیزیم.

کارگران سایپا در مقابل یورش رژیم ارتجاعی

کارگران سایپا که ما ننند کارگران سراسرایران در ظرف ۲/۵ سال حکومت رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی روز بروز بیشتری به ما هیت ضد کارگری و استثمارگری

آن می برند، با آنها هم سرکوبگرانه و وحشیانه آن که از تاریخ سی ام خرداد بصورت موجی از اجراجها و دستگیری و زندان و اعدام منظمی شد، تقریباً آخرین بقایای توهشان هم زدوده شد و چهره کریه سرمایه داری و ابسته را عریان تر دیدند. موج ناراضی ها در کارخانه عمومی است و این نفرت و کینه کارگران بخدی است که غالباً در برابر انفجار دفتر حزب جمهوری و انفجار ریخت وزیری و ترورهای عناصر منفور رژیم، ابراز شادی میکنند و تقریباً اکثریت کارگران آرزوی مرگ و نابودی سرمایه داران رژیم را در دل دارند. کارگران این کارخانه در صحبت های خود نشان میدهند که دیگر کوچکترین امید ندارند که بهبودی در وضع حالشان بوسیله حکومت جمهوری اسلامی ایجاد شود. شاید این موضوع را از دهان حزب الهی های کارخانه بهتر بتوان دریافت: تعدادی از حزب الهی ها هم میدشان از رژیم ها کم قطع شده و میگویند "مگر ما زمان بجا بدو اوضاع مملکت را درست کند و گرنه کسی نمیتواند این وضع را درست کند". میزان نفرت و کینه کارگران را از شعاری ها و توالتهای کارخانه نوشته شده و اکثریای مفهوم "مرگ بر خمینی" می باشد بر ا حتی میتوان پی برد. اخیراً مزدوران رژیم مجبور شده اند که تمام دست شویی ها و توالتهای را نقاشی کنند و نقاشی کرده های انقلابی "تنگ با رنگ پاک میشود".

اما با وجود این روحیه ناراضی و معترض عموم کارگران، بدلیل نبود هیچگونه تشکلی در میان کارگران و ضعف آگاهیه مبارزاتی کارگران، این اعتراضات اغلب بصورت فردی و ابتدائی و بشکل "خرابکارانه" ظاهر میشود. چنانچه از بعد از ۳۰ خرداد با بنظر چندین مورد خرابکاری در دستگاهها و تولید مشاهد شده است از قبیل قاطی کردن آب با مواد نتیجه خوابیدن بمدت ۲ ساعت کنار دستگاه های بادی کارخانه، البته انجمن اسلامی در این مورد یکی از کارگران را که بنظر عموم کارگران کارخانه بی ارتباط با خرابیهی دستگاهها بوده است دستگیر نموده است و بمدت ۶ ماه زندانی برایش بریده اند.

مواردی از خرابکاری احتمالی مثلاً پوست خربزه گذاشتن در دستگاه نقطه جوش و خوابیدن تولید بمدت ۲ ساعت، خرابی دستگاه قیرپاشی و جرتقیلهای خط تولید و... البته بعلت فشار زیاد دی که سرمایه داران وارد میشود و وجود جوسو خفکان و ترس که مازده دست جمعی را بسپار محدود میکنند تا بدین نوع حرکات فردی و "خرابکارانه"

کارگران طبیعی باشد ولی کارگران آگاه و وظیفه دارند که اعتراضات و مبارزه کارگران را از این مسیر تنبیر داده و به سطح مبارزاتی وسیعتر و عمومی تر نظیر کم کاری و مقاومت عمومی در مقابل افزایش تولید و... برسانند.

مدیریت کارخانه و انجمن اسلامی که برای تفرقه انداختن در میان کارگران و شکست مبارزات آنها جلوگیری از حرکت دسته جمعی و عمومی کارگران کارخانه مرتباً به شایعه پراکنی در کارخانه می پردازند، میگویند تا از این طریق مانع مقاومت عمومی کارگران در مقابل افزایش تولید گردند مثلاً بین دو قسمت نقاشی و خط تولید مرتباً بوسیله انجمن تفرقه اندازی میشود. اما افشای دائمی این توطئه های ضد کارگری انجمن و مدیریت و... بوسیله کارگران آگاه کارخانه زمینیه مناسبی برای خنثی کردن آنها و برعکس ایجاد تشکل و همبستگی در میان کارگران کارخانه خواهد شد. کارگران مبارز و آگاه ما بیباک با تماس دائمی با کارگران قسمتها بطوریکه از جمع عوامل رژیم محلی بمانند، میتوانند و با بداتحادت کارگران را فراهم کنند و مبارزات دسته جمعی آنها را تدارک ببینند.

گزارشی از کارخانه سایپا

یورش سراسری و سرکوبگرانه رژیم ارتجاعی به انقلاب و حرکات حق طلبانه کارگران، در کارخانه سبتروش (سایپا) بدنبال بگیر و بیندهای قبل از ۳۰ خرداد انجام شد.

قبل از این تاریخ که کارگران با یک حرکت عمومی ناراضی عمیق خود را از مدیرعامل مکتبی رژیم بنام "کاتوزیان" بصورت حرکت انفجاری کتک زدن و بیرون انداختن او از کارخانه صورت داده بودند، بدلیل اینکه اقدامی علیه مزدوران رژیم سرمایه داری حاکم از طرف کارگران غیر منسکل یک کارخانه بود بزودی با دستگیری ستر از ۳۳ نفر و بازجوشی های بعدی از تعدادی دیگر از کارگران کارخانه و بخصوص با اجراج و زندانی نمودن تعدادی از آنان، سرکوب شده و تفرقه در میان کارگران سایپا بیشتر شد. این شرایط میباید مناسبی برای فعالیت های ضد کارگری و ارتجاعی رژیم و عمالشی در کارخانه از قبیل "انجمن اسلامی" شورای اسلامی و مدیریت و... کارخانه و سایپا بداران شد. کارگران سایپا که تا قبل از این دجا خوشبایوری نسبت به حکومت بودند و این خوشبایوری شان با



وجود جولیبرالی در جامعه - بخاطر تقابلیت جناح لیبرالها و حزب - تقویت میشد. اقدامات سرکوبگرانه رژیم را که کاملاً وحشیانه دیدند دجاریت زدگی شده و تا مدتها سکوت بر کارخانه حاکم شده بود.

تحت چنین شرایطی بود (در این کارخانه) که یورش عمومی رژیم به انقلابی و کارگران در ۳۰ خرداد شروع شد و بنا بر این اقدامات ضد کارگری رژیم و عمالشان در کارخانه از قبیل تدارک شده و بوقوع پیوسته بود. برای مثال ساعت کارگاه سابقاً ۴۰ ساعت در هفته بود به ۲۲/۵ ساعت کارخانه افزایش داده و از ۳۰ خرداد به بعد به دو شیفت کردن همان تعداد کارگران قبلی میزان تولیدات تومبیل رسو را از ۴۰ تا ۶۰ به ۱۰۰ تا ۱۲۰ دستگاه در روز رساندند و بنا بر این از یک طرف تعداد کارگران را رکن را در هر شیفت نصف کرده و از طرف دیگر میزان تولید را دو برابر نمودند یعنی در واقع فشار کار را به کارگران بیش از دو برابر رساندند. این شرایط سخت کار را اغلب به بروز دعواهایی بین کارگران بخصوص بوسیله اقترادلمین منجر میشود. کارگران سابقاً بخوبی می بینند که رژیم حاکم که فریب دماغ از مستضعفین و کارگران میزد چگونه باز هر چشم گرفتن از کارگران و برقرار کردن جو ترس و خفقان و بوسیله دستگیری و زندانی و اخراج و حتی اعدام نمودن کارگران میبازد کارخانجات قصد سودجویی بیشتر و استثمار رشید تر و وحشیانه تری را دارد. و بدین ترتیب گرچه هر نوع مبارزات کارگران مواجه با شد رژیم ضد کارگری و ضد انقلابی جمهوری اسلامی میشود ولی در عین حال ما هیت سرمایه داری خود را به عموم کارگران آشکارا و بدون پرده نشان میدهد و در نتیجه خوش - باوری عموم کارگران جزغنا سر سر برده و عقب مانده آنها نسبت به رژیم از بین میرود.

انجمن اسلامی سایپا، مرکز توطئه و جاسوسی

انجمن اسلامی سایپا که از حزبی ها و توده ای های منفور تشکیل شده است تعداد ۶۰ - ۷۰ نفر هستند این روزها بعنوان یکه تاز

کارخانه عمل میکنند و نقش درجه اول را دارند بطوریکه حتی مدیریت و بسیج و سپاه پاسداران کارخانه (که ۸ نفر مسلح هستند) و شورای اسلامی همگی زیر علم انجمن و از طریق آن کارهای خود را پیش میبرند. انجمن اسلامی بطور علنی و فعال دست به هر کاری میزند و مسئله ای نیست که انجمن اسلامی از آن بی اطلاع باشد. انجمن نیات رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی را در کارخانه اجرا میکند و با بکار گرفتن روشهای متفاوت، تشدید استعمار کارگران، کاهش خواسته های اقتصادی و در آسودگی آنها، جلوگیری از رشد آگاهی کارگران و ایجاد تفرقه در میان آنها و مانع از متشکل شدن آنها را هدف قرار داده است. انجمن اسلامی کارخانه از هر طریق که بتواند بوسیله زور و ترس و ارباب و بوسیله فریب با تبلیغات مذهبی سخنرانان حزب الهی و عمال رژیم ارتجاعی سعی در موفقیت خود دارد انجمن اسلامی و مدیریت مخالفین خود را که در سرپرستی سرکارگری و مدیریت با شند، جایجا نموده و عوامل خود را جای آنها قرار میدهد، یا اینکه با ترساندن آنها و با استفاده از تقابلیت کارگران و این جماعت - های سرمایه، سعی میکند آنها را مطیع خود نماید تا بلکه راحت تر به کمک آنها شیره جان کارگران را بکشد. انجمن اسلامی تا ب حال کوچکترین مخالفتی را ندارد و عموماً فرصت طلب و ضد کارگری و لیبرالی را هم که در شورای ارتجاعی کارخانه وجود دارند چشم ندانند و بهیچ وجه شورای اسلامی و این عناصر لیبرال ما هیت ضد کارگری خود را مدتهاست به کارگران نشان داده اند و همیشه با انجمنی ها در سر کوب کارگران همکاری کرده اند ولی به دلیل اینکه حزب الهی نیستند از نظر انجمن اسلامی میبایست برکنار شوند به همین خاطر انجمن قصد دارد یک شورای ضد درم حزب - الهی را بوسیله وزارت کار در کارخانه بوجود بیاورد و او را کارگران در مقابل انجمن چگونه و در چه وضعیتی هستند. اول اینکه انجمن اسلامی منفور کارگران است و آنرا بمعنی کامل کلمه لانه جاسوسی می شناسند. چرا که هر روز با چشم خود می بینند که اعضای انجمن اسلامی در خط تولید و یا رستوران و غیره علناً استاده و حرکات و حرفهای کارگران را دیده و میشوند و گزارش میدهند. کارگران انجمنی ها را از خود نمی دانند و آنها را از میان خود رد نموده اند اعضای انجمن در بین کارگران انگشت نما هستند و بطوریکه وقتی چند کارگر با هم صحبت میکنند که

مخفی دیدن یکی از افراد انجمن جاسوسی "همدیگر علامت میدهند که "انجمن آمد" که با اینکه "حزب الهی آمد" که این خود طرد عناصر انجمن از نظر کارگران نشان میدهد نفرت کارگران از انجمن اسلامی بحدی است که کمتر اتفاق می افتد کسی با آنها مراجعه کند و یا اینکه با آنها وارد بحث شود و متقابلاً انجمنی ها هم دیگر برخلاف گذشته وظیفه "ارشاد" را برای خود قائل نیستند و خوب میدانند که دیگر دستشان برای کارگران روشن نشده و ارشاد آنها در کارگران موثر نیست اعضای انجمن حتی جرات نمیکنند با سرویس کارگران به خانه شان بروند.

علاوه بر جاسوسی در بین کارگران و مرستاند پاسداران کارخانه برای دستگیری کارگران، انجمن اسلامی با سپاه دست به کارهای دیگری هم برای پیش برد اهداف خود میزند. برای مثال چند وقت پیش موقع نماز یک مرتبه انجمنی ها اعلام کردند که در "رستوران" مسبب کار گذاشته اند و مانع آمدن افراد به محل رستوران میشوند و ظاهراً برای گشتن بدنبال بسبب بوده است ولی کارگران می گفتند که این یکی دیگر از حیلله های انجمن اسلامی است که با این وسیله میخواهد گشتن لباس و اناشبه کارگران را توجیه کند.

آوردن سخنرانان حکومتی و آهوندان وسیله دیگری است که انجمن اسلامی بر علیه کارگران و برای فریب آنها بوسیله تبلیغات مذهبی بکار میبرد. اما با این وجود به غیر از تعدادی از کارگران عقب افتاده کسی جذب فریبکاری و حیلله های آنها نمیشود و ما هیت واقعی انجمن در نزد توده کارگران کارخانه بعنوان لانه جاسوسی و توطئه و خیانت شناخته شده است. کارگران سابقاً دیده اند که انجمن اسلامی افراد بسیج کارخانه را که ظاهراً برای رفتن به جبهه جنگ تعلیم نظمی دیده بودند ولی عملاً برای سرکوب کارگران و نظا هرات خیابانی نیروهای سیاسی و مردمی فرستادند. افراد بسیج که جمعا ۳۶ نفر هستند هر شب ۸ نفرشان برای گشت به اتوبان تهران - کرج ما موریت میروند و در همین نظا هرات اخیر ما هدین خلق در پنجم مهر ماه (یکشنبه) بصورت مسلح به خیابانهای شهر رفتند و یکی از آنها هم کشته شده بود. با این واقعیات کارگران سابقاً ما هیت واقعی انجمن و بسیج را نه بنفع خودشان بلکه به نفع حکومت سرمایه داری حاکم میدانند.

رویز یونیسفم آراسته پانوماریف و بازتاب آن در میان سائتر یستها (۴)

مسئله دوران و گذار سلامت آمیز

ما تا بدینجا ثابت کردیم که پانوماریف دشمن دیکتاتوری پرولتاریا و دمکراسی پرولتاری بوده و تئوری امپریالیستی را تحریف نموده است. او با پوشاندن تضادهای عمیق سرما به داری مالی امپریالیسم را مشاطه گری کرده و انقلاب پرولتاری بیثبات نتیجه ناگزیر عصر امپریالیسم را نفی مینماید. پانوماریف بر اساس خط مشی رویزیونیستی - امپریالیستی خویش نمیتواند ضدیت خود با انقلاب سوسیالیستی و نیز با استقلال واقعی و آزادی راستین خلقهای جهان را به نمایش نگذارد. تنها کسانی میتوانند مدافع انقلاب پرولتاری و نیز استقلال و آزادی خلقهای ستمدیده به شما را ببینند که دشمن سر سخت امپریالیسم باشند، تنها کسانی میتوانند پشتیبان انقلاب پرولتاریا و خلقها باشند که با بورژوازی و امپریالیسم مبارزه انقلابی بر خیزند. دشمنی با امپریالیسم به مبارزه انقلابی برای نجات پرولتاریا و برای رهایی خلقها و نابودی اسارت خلقها می انجامد. حال آنکه پانوماریف نه تنها مدافع وستا شکر امپریالیسم است، بلکه علاوه اشکارا بر علیه انقلاب پرولتاری در کشورهای سرما به داری است و ستیزی ملی و اسارت زحمتکشان کشورهای تحت سلطه را مورد تائید قرار میدهد.

همانطور که در قبل مختصرا بیان داشتیم پانوماریف در بر خورد به کشورهای سرما به داری امپریالیستی بر آن است که در این کشورها که انقلاب قهر آمیز پرولتاریا بر علیه بورژوازی مبارزه سلامت آمیز پانوماریف را نتوانست بر علیه "حاکمیت انحصارات مطرح است. پانوماریف در ادامه این خط مشی سازش طبقاتی معتقد است که در کشورهای تحت سلطه نیز میتوان بدون گذار از سرما به داری و بدون انقلاب و جنگ طبقاتی به سوسیالیسم رسید. او مانند همه رویزیونیستهای خروچفنی سازش طبقاتی و نفی انقلاب را فقط محدود به کشورهای سرما به داری نمیکند، او این تفکر ضد انقلابی را بسط داده و آنرا بیثباتی و تحولات جهانی و سدی عمومی

منجمله کشورهای تحت سلطه در میآورد در نزد پانوماریف سازش طبقاتی و ضدیت با انقلاب یک سیستم ایدئولوژیک عمومی را تشکیل میدهد که اگر وجهی از آن در رابطه با کشورهای سرما به داری قرار میگیرد وجه دیگر آن در رابطه با کشورهای وابسته مشخص میشود. به معنای دقیقتر اگر گذار سلامت آمیز پانوماریف را نتوانستیم در کشورهای سرما به داری امپریالیستی به مثابه راه کسب قدرت و برقراری سوسیالیسم مطرح است، تئوریز رویزیونیستی "راه رشد غیر سرما به داری" به مثابه طریقه کسب قدرت و ستگیری بسوی سوسیالیسم برای کشورهای تحت سلطه طرح گردیده است. تئوریز "راه رشد غیر سرما به داری" یک تئوری نواستعماری برای به انقباض در آوردن خلقها و سرکوب انقلابات رها شیخ ملل ستمدیده میباشد. گمانیکه مدافع این تئوری امپریالیستی هستند، ما رکیست نیستند و هرگز و هرگز نمیتوانند پشتیبان انقلاب و آزادی خلقها باشند. با "راه رشد غیر سرما به داری" یا راه انقلاب و آزادی؟ راه اول به انتخاب انقیاد و دستگیری و تشدید استعمار می انجامد و راه دوم به انتخاب آزادی و دمکراسی انقلابی برای توده ها منجر میشود. راه اول به تحکیم سرما به داری و امپریالیسم و راه دوم به همسوار ساختن پیروزی سوسیالیسم ختم میشود.

در سطح جنبش ما، تبلیغاتی وجود دارد مبنی بر اینکه پانوماریف مخالف تئوریز "راه رشد غیر سرما به داری" است و همبستن تبلیغات نیروهای سائتر یست ها به گریز جنبش چپ را به وجود آورده است که بالاخره "جناح انقلابی" روس ها "برآمد" پیدا کرده و میتوان امید داشت که برخی اشتباهات و انحرافات گذشته "مرتفع گشته و با قاطعیت بیشتری، شوروی را به مثابه "مبشر آزادی خلقها به زحمتکشان نشان داد. در واقع سائتر یستها برای پوشاندن گرایشات رویزیونیستی فزاینده خود، در پی کشف رویزیونیسم انقلابی (!؟) میباشند. حال آنکه رویزیونیسم رویزیونیسم است و رویزیونیستها علیرغم رنگهای گوناگونشان، دشمنان سوسیالیسم و انقلاب و

ضد انقلابیون بورژوازی بیثبات نیستند. پانوماریف همانند خروچف ها و برژنف ها، رویزیونیست خبیثانگاری بیثبات و برخلاف "روبا های شیرین" سائتر یستها، مدافع تئوری امپریالیستی "راه رشد غیر سرما به داری" بشمار میآید. او از حقا نیت جنبشهای آزادیبخش و انقلاب خلقها "ضرورت رهبری طبقه کارگر صحبت میکند، اما در مشی و کردار طبقاتی خود ثابت مینماید که مدافع "راه رشد غیر سرما به داری" است و از اسارت خلقها است.

ما در اینجا قصد آن نداریم که بر اساس نظریات تئوریکسین های رویزیونیست روسی تئوریز "راه رشد غیر سرما به داری" را وسیعاً مورد نقد قرار دهیم. ما این وظیفه را که امری خطیر و حیاتی بشمار میآید به آئینده موقوف مینمائیم. اما در پی آن میباشد تا بطور مختصر نشان دهیم چرا تئوریز "راه رشد غیر سرما به داری" تزی ضد امپریالیستی و امپریالیستی است و چگونه پانوماریف علیرغم تمام عوام فریبی ها و مانورهایش بدان معتقد میباشد. تئوریز انقلابی "راه رشد غیر سرما به داری" پس از کنگره سیستم حزب شوروی در زمانیکه جریان بورژوازی رویزیونیستی به سرکردگی خروچف مرتد بقدرت رسید مطرح گشت قبل از نقد اصل تئوریز "راه رشد غیر سرما به داری" لازم است پیش درآمدهای تئوریک آنرا مورد انتقاد قرار داد تا بتوان به روشنی به ماهیت امپریالیستی و رویزیونیستی این تزی پی برد. و اما این پیش درآمدها کدا مند؟

رویزیونیستها و منجمله پانوماریف مطرح میباشند که پس از انقلاب اکتبر و بخصوص پس از جنگ جهانی دوم که همزمان با بقدرت رسیدن رویزیونیستها در شوروی است، جهان کنونی به "دوران سوسیالیسم" رسیده است و عصر امپریالیسم پایان گرفته است. آنها میگویند از آنجا که رشته تغییرات پس از جنگ دوم منجر به تقویت و تفوق اردوگاه سوسیالیسم و تضعیف قوای امپریالیسم گردیده توازن قوا در سطح بین المللی شدت تغییر یافته و بر اساس این تغییر در آرایش قوا این امکان بوجود آمده تا بدون انقلاب به

رویزیونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

سوسیا لیسیم دست یافت .
 روبروی یونیتها مطرح میبازند
 قدرت فاشیست اردوگاه شوروی
 بورژوازی را در حرکت خود بشدت
 محدود ساخته و مرگزار مسالمت -
 آمیز تسهیل گشته است . از نظر آنها
 دهه شصت به سبب وزنه تعیین کننده
 شوروی و "تحت تاثیر قدرت رشد
 یافته سوسیا لیسیم" در کشورهای
 سرمایه داری "جریانه های مثبت
 سیاسی" پدیدار گشته و به همین جهت
 امکان گذار مسالمت آمیز به
 سوسیا لیسیم در این کشورها فراهم
 گردیده است . از نظر آنها نه تنها
 با اتکا به "رقابت مسالمت آمیز"
 بین کشورهای سوسیا لیستی و
 کشورهای سرمایه داری ، میتوان
 با زارهای امپریالیسم را تحت
 نفوذ و سلطه خود در آورد و امپریالیسم
 را شکست اقتصادی داد ، نه تنها
 بر اساس "همزیستی مسالمت آمیز"
 بین اردوگاه سوسیا لیسیم و اردوگاه
 سرمایه داری میتوان "سیاست
 صلح دائمی" را پیش برده و از
 خطتها و تاملات جنگ طلبانه
 امپریالیستها جلوگیری نمود ،
 بلکه علاوه میتوان از جنگ طبقاتی
 و انقلاب قهرآمیز خودداری کرده و
 با بدست آوردن اکثریت کرسیهای
 پارلمان بورژوازی بتدریج با
 وضع "قوانین مترقی و سوسیا لیستی
 بورژوازی" را از قدرت ماقط نموده
 و قدرت سوسیا لیستی را مستقر
 ساخت .

در همین رابطه خروشچف در
 گزارشی به کنگره بیستم چنین
 میگوید: "در انقلاب اکتبر در
 شرایط تاریخی زمان خودیگانه
 راه صحیح بود . ولی در حال حاضر
 وضع تغییر کرده و امکان دارد از
 طریق پارلمان گذار از سرمایه داری
 به سوسیا لیسم انجام میگردد" و با
 "احراز اکثریت در مجلس و تبدیل
 آن به ارگان قدرت توده و موجودیت
 یک جنبش انقلابی داخل کشور ، به
 معنای درهم شکستن ماشین نظامی
 و بوروکراسی بورژوازی و تشکیل
 یک دولت پرولتری نوین توده ای
 در شکل پارلمان است . با نوما ریف
 در تاسیسه همین نظر میگوید: "پیدا
 شدن فرصت و احتمال موفقیت
 بیشتر برای انقلابهای نسبتا
 مسالمت آمیز در واقع جدیدی که
 از دهه پنجاه شکل گرفته است . چنین
 انقلابهایی بدون قیام مسلحانه
 ونسبت به شرایط مشخص هر ناحیه که
 متضمن یکا گرفتن تمامی اشکال
 مبارزه برای نیل به سوسیا لیسم
 است ، ممکن است بوقوع پیوندد ."
 (آموزش زنده و خلاق مارکسیسم
 لنینیسم ص ۸۲)

همانگونه که ملاحظه مینمائیم
 خروشچف و نوما ریف تغییرات در
 توازن قوا را مستقیم قرار داده و
 از ماهیت سرمایه داری و بورژوازی
 تحدید نظر میکنند . با نوما ریف از

این تغییرات نتیجه میگردند که
 تضادهای طبقاتی تخفیف یافته و
 بنا بر این مبارزه طبقاتی جای
 خود را به آشتی طبقاتی سپرده و
 بنا بر این قیام مسلحانه الزامی
 نیست . اما پراستی این تغییرات
 چیست ؟

با نوما ریف از یک اصل حرکت
 میکنند و آن اینکه دوران کنونی
 "دوران سوسیا لیسم" است و همانطور
 که در کتاب "سوسیا لیسم و قضا"
 موجود و نقش و اهمیت بین المللی
 آن آمده با نوما ریف مطرح
 میسازد شوروی تجسم "سوسیا لیسم
 واقعا موجود" میباشد و بنا بر این
 با یاد از نقش سوسیا لیسم بعنوان
 تکیه گاه اساسی طرح و نیروی عمده
 مبارزه و مقابله با امپریالیسم و
 سیاست تجاوزکارانه و ضد خلقی
 آن ، صحبت نمود و بر این امر
 اعتراف کرد که: "سوسیا لیسم واقعا
 موجود به عامل اساسی تکامل جهان
 تبدیل شده است . (تاکید از ما است)
 به بیان دیگر در "دوران سوسیا لیسم
 و در موقعی که شوروی وزنه تعیین
 کننده را بخود اختصاص داده ، با عامل
 اساسی تکامل جهان "نه انقلاب و
 مبارزه طبقاتی بلکه تکیه بر
 شوروی امپریالیستی است"

اولین تحریف با نوما ریف و
 سایر رویزیونیستها ی مرتد اینست
 که آنها با طرح "دوران سوسیا لیسم"
 در پی نفی انقلابات پرولتری
 میباشد . از نظر ما کمونیستها و بر -
 اساسی ماتریالیسم تاریخی ، امپری
 مسلم است که سرمایه داری به
 مرحله گندیده خود یعنی امپریالیسم
 رسیده و محکوم به زوال و نابودی
 است . از نظر ما مارکسیست -
 لنینیستها ، امروز دوران تاریخی
 جهانی سرمایه داری بسرآمده و تنها
 آلترناتیو انقلابی ، سوسیا لیسم
 است ، به بیان دیگر تنها سیستمی
 که مبین دوران تاریخی و جهانی
 جدیدی در تکامل جوامع بشری
 بوده و میتواند جایگزین سرمایه -
 داری گردد فقط سوسیا لیسم است .

بنا بر این بطور عموم ، دوران تاریخی
 سوسیا لیسم آغاز گردیده است
 دورانی که از طریق بسط انقلابات
 پرولتری و پیروزی آنها تنها
 کمونیسم به پیش میرود . اما مسئله
 بسیار اساسی و مهمی که نبا پسند
 فراموش کرد اینست که ما در عرصه
 لنین میگوید کماکان در عصر
 امپریالیسم و انقلابات پرولتری
 برمی بریم . بدین معنا که
 امپریالیسم عصر تاریخی اش به
 پایان رسیده لیکن هنوز ممتدا
 واقعیت جهان کنونی وجود دارد و
 با بداین واقعیت ارتجاعی را از
 زمین برکنده و بجای آن واقعیت
 درختان سوسیا لیسم را مستقر
 نمود . رویزیونیستها ی مرتد
 چنین وانمود میسازند که گویا با
 انقلاب اکثریت دیگر شعرا لنین کهنه
 شده ، عصر امپریالیسم پایان یافته

و انقلابات پرولتری لزوم خود را
 از دست داده است . حال آنکه چنین
 نیست ، امروز ما در دوره ای بسر
 میبریم که امپریالیسم حیات و سلطه
 دارد و پرولتاریا و زحمتکشان جهان
 آنرا با بدسرنگون سازند . لنین در
 کتاب "امپریالیسم یعنی چه" در
 مرحله سرمایه داری "در پیشگفتار
 ۲۶ آوریل ۱۹۱۷ یعنی قبیل از
 انقلاب اکتبر مطرح ساخت: "امپری -
 با لیسم آستان انقلاب سوسیا لیستی
 است" و در پیشگفتار ۶ ژوئیه سال
 ۱۹۲۰ یعنی پس از پیروزی انقلاب
 نیز مطرح ساخت: "امپریالیسم
 آستان انقلاب اجتماعی
 پرولتاریا است . این حقیقت از
 سال ۱۹۱۷ در مقیاس جهانی تائید
 شده است"

در حقیقت انقلاب اکتبر
 نخستین ضربه مهلک علیه امپری -
 با لیسم و نخستین پیروزی درختان
 پرولتاریا در راه نابودی امپری -
 با لیسم و سرمایه داری بود ، انقلاب
 اکتبر شکاف در سیستم جهانی
 سرمایه داری بوجود آورد ، لیکن
 این امر بمعنای محو نابودی
 امپریالیسم و با تغییر ماهیت
 امپریالیسم و با تغییر عصری که در
 آن برمی بریم ، نبود . لنین
 در توضیح مقام انقلاب اکتبر مطرح
 میساخت: "ما اینجا را شروع کرده ایم
 و اما اینجا ، با چه موقع وطنی چه
 مدتی و پرولتاریای کدام ملت
 این امر را به سرانجام خواهند
 رساند ، مسئله اساسی نیست . مسئله
 اساسی آنست که بیخ ازجا کنده شده و
 بحرکت درآمده است . جاده باز شده
 راه نشان داده شده است . . . نخستین
 انقلاب بلشویکی نخستین صد
 میلیون مردم روی زمین را از جنگ
 جنگ امپریالیستی و جهانی امپری -
 با لیستی بدر آورد . انقلابهای
 بعدی تنها می بشیرت را از جنگ
 چنین جنگ جهانی بدرخواهند کشید
 (بمعنا ست چهار زمین مالک نیست
 انقلاب اکتبر ۱۹۲۱ - تاکید از
 ما است)

بنا بر این تماما بحث لنین
 اینست که با انقلاب اکتبر ، انقلابات
 شروع شده اند و تخریب عملی جهان
 کهن آغاز شده است ولی این
 انقلابات و این تخریب با بدادامه
 ما بد ، ما پیروان راه لنینیسم
 معتقدیم تنها آلترناتیو تاریخی
 در دوران معاصر سوسیا لیسم است ،
 ما معتقدیم امپریالیسم و سرمایه -
 داری وجود دارند و با بداز طریق
 انقلابات قهرآمیز توده ای بساط
 آنها را درهم کوبید ، ما بر آنیم که
 عصر امپریالیسم است و "امپریالیسم
 آستان انقلاب اجتماعی پرولتاریا -
 با است" و ما تماما پرولتاریا و
 خلقهای جهان را به ادامه و بسط
 انقلابات فرا میخوانیم . اما
 رویزیونیستها میگویند "دوران
 سوسیا لیسم" است ، اردوگاه شوروی

«سوسیالیسم واقعا موجود» میباشند و نیروی اساسی و تعیین کننده دوران است و بنا بر این انقلاب پرولتری و مبارزه انقلابی علیه امپریالیسم لزوم خود را از دست داده است. رویزیونیستها میگویند «انقلابهای بعدی ضرورت خود را از دست داده زیرا شوروی نقش اساسی پیدا نموده بنا بر این کارگران جهان نه به قدرت خود، بلکه به قدرت شوروی با استکبار نمایندند زیرا شوروی «ملح و آزادی» را برای کارگران به ارمغان میآورد.

پرواضح است، زمانیکه انقلاب سوسیالیستی در یک کشور پیروز میشود، پرولتاریای پیروزمند وظیفه دارد تا با تمام قوا علیه پرولتاریای کشورهای دیگر مدد و یاری رساند، انترناسیونالیسم پرولتری جز حمایت و پشتیبانی مادی و معنوی همه جا نیست. از انقلابات چیز دیگری نیست. ولی مسئله مورد بحث اینست که آیا انقلابات در صورت وجود یک و یا حتی چند کشور سوسیالیستی منتفی میگردد؟ آیا کارگران و زحمتکشان خود دنیا یافا لانه در جهت سرنگونی پرولتاریای و بنا بر این امپریالیسم به جنگ مسلحانه دست زده و انقلاب نمایند؟ از نظر مارکسیسم در عصر امپریالیسم از یک سو پرولتاریا و زحمتکشان با دیدن انقلاب و بیخیزند، کارنونهای انقلاب و سوسیالیسم را گسترش بخشند و از سوی دیگر کشور سوسیالیستی با دیدن خود به پشتیبانی فعال از این انقلابات برخاسته و مریشرفست و پیروزی انقلاب جهانی را تسهیل نماید، اما این امر هرگز به این معنا نیست که مبارزه طبقاتی و انقلاب توده ها نفی با یدگردد.

دومین تحریف رویزیونیستها اینست که آنها میگویند انقلاب اکتبر در زمان خود درست بود، حال آنکه در شرایط کنونی جهانی فرصت و احتمال موفقیت بیشتر برای انقلابهای نسبتا مسالمت آمیز «بوجود آمده و از طریق پارلمان میتوان سوسیالیسم رسید. تمام بحث لندن در باره امپریالیسم اینست که، امپریالیسم یعنی سرما به داری گنبدیده، یعنی بسط ارتجاع سیاسی و یعنی تحکیم ما شیمن بوروکراتیک - نظامی. لنیسن میگوید: «وجه تمایز امپریالیسم بعزت خصلتهای اساسی اقتصاد آن، حداقل ملحدوستی، حداقل آزادی و حداکثر رشد عمومی میلیتاریسم است. نفهمیدن این مطلب هنگامیکه مسئله گذار مسالمت آمیز یا قهرآمیز را بررسی میکنیم، در حکم تنزل به سطح متذلل ترین دست نشاندهان پرولتاری است (انقلاب پرولتری و کاتوستکسی مرتد). اما رویزیونیستها از آنجا

که مشاهده کردیم امپریالیسم میباشند، بجای بسط ارتجاع سیاسی و تحکیم ما شیمن دولتی و رشد میلیتاریسم بسط دمکراسی و دمکراتیزه شدن دولت امپریالیستی را میبینند و بجای تاکید بر انقلاب، گذار مسالمت آمیز را مطرح میازنند. رویزیونیستها تشدید تفاذهای طبقاتی را تخفیف تفاذهای طبقاتی حازده و بر این اساس دشمن طبقاتی را همدستان طبقاتی معرفی مینمایند. رویزیونیستها دولت پرولتاریای بمشابه تجلی تفاذهای آشتی ناپذیری طبقاتی و انفسی کرده و بنا بر این نه تخریب و انهدام قهرآمیز ما شیمن دولتی، بلکه استفاده از پارلمانتاریسم پرولتاریای را مطرح میازنند.

مسئله طبقاتی و انقلاب قهرآمیز، قانون عمومی و پیشرفت جوامع بشری است، حتی بفرض محال اگر شوروی واقعا در کشور سوسیالیست بودند، انقلاب نمیتوانست نفی گردد، زیرا رابطه سرما به داری و دژ امپریالیسم هنوز با برجا بود. انقلاب از طریق مسالمت آمیز بمشابه یک احتمال فقط در شرایطی میتواند مطرح باشد که اردوگاه ما شیمن سوسیالیسم بطور اساسی و تعیین کننده در برابر اردوگاه سرما به داری قدرت یافته را تشکیل دهد و سرما به داری کلا در محاصره سوسیالیسم قرار گیرد. امری که در حال حاضر به هیچ وجه واقعیت خارجی ندارد و حتی اگر تمام کشورهای سابقا سوسیالیستی هنوز در اردوگاه سوسیالیسم قرار میدادند شرایط انقلاب مسالمت آمیز فراهم نبود. در دوره پس از جنگ جهانی دوم، هنگامی که اردوگاه نیرومستند و درخشان سوسیالیسم و در رأس آن شوروی سوسیالیستی برهمنبری رفیق استالین وجود داشت، در حالیکه این اردوگاه بنیان انقلاب جهانی پرولتاریای را تشکیل میداد و از قدرت عظیم برخوردار بود، رفیق استالین و احزاب کمونیست هرگز از «گذار مسالمت آمیز» صحبت نکردند، زیرا واقعیت عینی جوامع، سطح شناخت قوا و سطح تکامل و پیشرفت انقلاب جهانی چنین حکم نمیکرد. و پرواضح است امروز که اکثر کشورهای سابقا سوسیالیستی مانند شوروی، چین، کشورهای اروپای شرقی و... به اردوگاه سرما به داری جهانی ملحق گشته اند صحبت از «گذار مسالمت آمیز» حزبک تحریف شیادانه در مارکسیسم لنینیسم و یک دروغپردازی فریبکارانه چیز دیگری نیست.

بدین ترتیب با نوما ریف و سایر رویزیونیستهای روسی با طرح پیش در آمد شورویک خود مینویسند بر «سوسیالیسم واقعا موجود» بمشابه «عامل اساسی تکامل جهان» درسی آندند تا انقلاب سوسیالیستی را در

کشورهای سرما به داری نفی نمایند آنها میخواهند و انمودند از زندگی عصر امپریالیسم و انقلابات پرولتری سپری شده و امروز دوران سوسیالیسم است، دورانی که سوسیالیسم امپریالیسم شوروی نقش قاطعی در سیر تحولات جهانی دارد و بنا بر این انقلاب قهرآمیز پرولتاریای در کشورهای سرما به داری بمشابه یک اصل، ضرورت خود را از دست داده است

حال اگر رویزیونیستهای مرتد، گذار مسالمت آمیز از سرما به داری به سوسیالیسم را برای کشورهای سرما به داری و امپریالیستی مطرح مینمایند، برای کشورهای تحت سلطه نیز راه رشد غیر سرما به داری را طرح می نمایند. از نظر این خائنین به سوسیالیسم اگر کشورهای امپریالیستی از طریق گذار مسالمت آمیز و پارلمانتاریسم میتواننند به سوسیالیسم برسند، کشورهای تحت سلطه از طریق راه رشد غیر سرما به داری میتوانند به سوسیالیسم دست یابند. در واقع نیز رویزیونیستی «راه رشد غیر سرما به داری» کامل تز گذار مسالمت آمیز است. سوسیالیسم امپریالیسم شوروی مدافع امارت و برادگی تمام پرولتاریا و خلقهای جهان است و به همین لحاظ نه تنها با تخریب رویزیونیستی گذار مسالمت آمیز پرولتاریای کشورهای امپریالیستی را به سازش طبقاتی و دفاع از سرما به داری دعوت میکند، بلکه همچنین با تخریب ستعاری «راه رشد غیر سرما به داری» کارگران و خلقهای کشورهای تحت ستم را به سازش طبقاتی و دفاع از پرولتاریای امپریالیسم فرا میخواند. و اما جوهر حقیقی تخریب راه رشد غیر سرما به داری کدام است و رویزیونیستها چه هدفی از ارائه این تخریب انقلابی تعقیب میکنند؟

«ادامه دارد»
بقیه از صفحه ۱۳ رفیق شهید

با ری رفیق مرگ سرخ را بر زندگی ننگین ترجیح داد و عاشقانه در برابر شکنجه های بیشتر ما نه در خمیان رژیم جمهوری اسلامی، مقاومت نمود و سرانجام سرفراز به پای جوخه اعدا رفت و جان خود را فدای راه سرخ نمود. مطابق برخی اخبار غیر موثق رفیق در زیر شکنجه به شهادت رسیده و رژیم بدروغ نام وی را جز تیرباران شدگان اعلام نموده است.

یادش گرامی و راه سرخش با پایدار باد.

اخبار مبارزات توده‌ها



بندرعباس پیورث ارتجاع حاکم به دهکده‌اران زحمتکش!

بیش از پانزده روز است که حکومت ضد مردمی جمهوری اسلامی این دشمن خونی کارگران و زحمت‌کشان هجوم ددمتشان خود را به دهکده‌اران زحمتکش شروع کرده است.

و در این حملات مزدوران رژیم اقدام به تاراج و سلب دهکده‌اران و درهم شکستن دهکده‌های آنان کرده‌اند.

جریان از این قرار بوده است... اما جمعه بندرعباس حجت الاسلام حیدرزاده، دستوری مبنی بر جمع آوری دهکده‌ها صادر می‌کند، که این عمل توسط پاسداران او با شجریه - خوانان شهرستانی و شهرداری به اجراء می‌آید. این مزدوران در حمله به دستفروشان علاوه بر تاراج اجناسشان، دهکده‌ایان را نیز بر سرشان خراب می‌کنند.

در تاریخ ۶/۶/۶۰ دهکده‌اران کنارکمرک توسط مزدوران رژیم سرما به داری جمهوری اسلامی مورد حمله مغول و ارتقاء می‌گیرند و تنها وسیله مرار معاششان بزرگشان خراب می‌شود. بپیرمردی می‌گفت: "ای کاش خانه‌ام را خراب کرده بودند ولی محل کارم را نه". و دیگری می‌گفت: "بمن می‌گویند، برو محل خودت کار کن، مگر ما خارجی هستیم، من هفت سر عا ثله دارم. مجبورم اکراین شهر نشد، بروم شهردیگر."

از طرف آستان داری بندرعباس اطلاع داده شده که جنگزدگانی که در خانه‌های چهل دستگاه و ۲۲ بهمن میباشند، باید آنجا را تخلیه کنند. (لازم به گفتن است که بعد از جنگ خانما نوز سرما به داریان، برخی از زحمتکشان جنگزده در این خانه‌ها ساکن شده‌اند.) جنگزدگان به حرفهای آستان داری مکتبی! اعتنائی نکرده و می‌گویند که ما خانه نداریم و ما تا وقتی که جنگ تمام نشده به خانه و کاشانه خودمان نمی‌گردیم و در این خانه‌ها خواهیم ماند.

حمله رژیم به خانواده زندانیان سیاسی

حدود ساعت یازده تا پانزده و نیم رسیدیم به زندان که دیدیم عده‌ای شتابان بر می‌گردند. جویا شدیم، معلوم شد که از صبح ساعت خانواده‌های زندانیان سیاسی به خیال اینکه عید است و شاید زندانیان را اجازه بدهند فرزندان را ملاقات بکنند جلوی زندان اجتماع می‌کنند. بعد از اینکه تعداد خانواده‌ها زیاد می‌شود و همگی خواستار ملاقات فرزندان می‌شوند گویا تفرس برشان می‌دارد و می‌گویند ملاقات نمی‌دهیم بخواه منتظر شوید. چند خانواده جنگزده با اصرار خواستار ملاقات می‌شوند که می‌گویند چون شما جنگزده هستید ملاقات می‌دهیم و بقیه را با تیراندازی هوآشی و زدن با قنداق تفنگ از محل دور می‌کنند و خلاصه بجای ملاقات کلوا تحویل مردم می‌دهند. مردم هم شاید بخاطر اینکه برای بچه‌هایشان بد نشود جلوی زندان را ترک می‌کنند و بر می‌گردند.

در سلولهای "ظالم آباد" رژیم چشمی گذرد؟

با رسیدن زمان انتخابات ریاست جمهوری، فشار شکنجه و تهدید زندانیان سیاسی برای کشانندن آنان بپای صندوق رای چندین برابر شده ولی انقلابیون دربند که بطور دسته جمعی و یکپارچه از دادن رای خودداری کرده‌اند تا تحمل و استقامت قهرمانانه خود مشقت محکمی به دانه جلادان حکومتی زده‌اند. از طرف دیگر وضع غذا و بهداشت زندانیان سیاسی بسیار نامساعد است بطوریکه ۱۹ عدد نان برای ۹۰ نفر زندانی تعیین شده و از نظر درمانی حتی اگر مریضی شهپاز درد بخوبی جدا نه‌ای قرص مسکن برای تسکین درد به او داده نمی‌شود. انقلابیون اسیر بطور دسته-

جمعی و متحدان زدادن رای خودداری کرده‌اند و برای همین، مورد شکنجه و آزار هر چه بیشتر قرار گرفته‌اند و از طرف دیگر پاسداران خانواده‌های آنان را تحت فشار گذاشته و به آنان فحش و ناسزا می‌دهند و از ملاقات خانواده‌ها جلوگیری می‌نمایند، ولی برخورد انقلابی خانواده‌ها خود بهترین پاسخ برای آنان است. پاسداران با خشونت به پدر یکی از زندانیان می‌گوید: فرزندت برای ندادن رای و با رفتن جواب می‌دهد: "۳ فرزندم به فرزندم، اگر او برای شما رای می‌داد من خودم قلم‌پاها بش را خرد می‌کردم و اگر آزاد می‌شد او را به خانه راه نمی‌دادم". اما ببینیم اکثریت‌های خائن چه می‌کنند. دو تن از سردمداران این خائنین در شیراز بنام حشمت الله رشیدی و داریوش جعفری برای شناختی و دستگیری کمونیست‌های واقعی و افراد مبارز مدوا و ما با عوامل رژیم تماس گرفته و با آنان همکاری می‌نمایند. خائنین اکثریتی در زندان برای سرکوب زندانیان مبارز به رژیم طرح هم‌ارائه می‌دهند، نتگشان باد.

اما عبا رزه و مقامت ما نندهر جای دیگری در زندان نیز به قهرمانانه‌ترین شکلی ادا می‌دارد. رزمشان بر شور و پر شور تر باد. در حمایت از کمونیست‌ها و انقلابیون دربند فریاد خود را بلندتر کنیم! به نقل از خبرنامه محلی پیکار "شیراز".

در سنگرمدرسه

روز دوشنبه ۶۰/۷/۲۰ ★ مدرسه پیشاهنگ (در غرب تهران) خبر میرسد که یکی از هواداران مجاهدین را رژیم جمهوری اسلامی اعدام کرده است. زنگ اول مدرسه بدلیل این خبر حالت عادی خود را از دست می‌دهد. در زنگ تفریح مسئول امور تربیتی سخنرانی می‌کند و مطرح می‌سازد که اعدا ما مورد تائید ما است. در این موقع اکثر محصلین مبارز او را هوم می‌کنند. بر اساس این جوا اعتراضی ساعت ۱۲ ظهر عده‌ای از محصلین مبارز و آگاه با شعار "محمل بپا خیز همسنگرت کشته شد"، "اتحاد مبارزه، پیروزی"، "زنده و جاوید باد یاد شهیدان خلق"، حدود ۱۵۰ نفر را بسیج می‌کنند و تظاهرات می‌کنند. علاوه بر محصلین شرکت‌کننده بیش از ۳۰۰ نفر محصل نیز از این اقدام مبارزاتی حمایت کرده و تائید می‌نمودند.

★ در مدرسه گوهر پرور ۳۰۰ نفر از اسمعی نویسنده و بدلیل این عدم اسم نویسی فعالیت سیاسی

در اهتزاز باد پرچم مقاومت توده‌ها علیه رژیم جمهوری اسلامی!

محلین بوده است. ناظم ارتجاعی مدرسه مطرح ساخته است هرکسی انضباطش از ۱۵ به پایین باشد هیچ مدرسه‌ای اسش را نمی نویسد. رژیم ارتجاعی حاکم کوشش میکند با جوخه‌فغان در مدارس حرکت مبارزاتی محلین را خفه سازد اما این کوششها تلاشهای مذبحخانه‌ای بیش نیست دانش آموزان مبارزین جوخه‌فغان را با گسترش اعتراضات و مبارزات توده‌ای درهم خواهند شکست.

★ چندی پیش آموزش و پرورش مرودشت فراخوانی برای پذیرش معلما اعلام میکند و از او طلبین میخواهد تا برای توضیح شرایط پذیرش در آموزش و پرورش جمع شوند. در روز موعود جمعیت زیادی در محل گرد آمدند. شرایط پذیرش با این جملات آغاز شد: "۵ نفرند - انقلاب ۵ نفر انقلابی را معرفی کنید." اجتماع کنندگان با شنیدن شرایط مذکور پی به حیل و نیرنگ رژیم برده و هوکشان محل را ترک کردند.

اخبار و گزارشات

کرمانشاه :
روز ۱۲ مرداد ماه در تنه‌ها ناوانی شهرک آنها هتا درگیری بین یکی از مشتریان و ناوانی رخ میدهد. ناوانی بهمین علت کار را تعطیل میکند. مردم به ستاد بهزیستی میروند و به خواهی و نندی (یکی از مسئولین آوارگان که فردی حزبی است) رجوع میکنند. خواهی میگوید هالی چهار روز ناوانی را میبندم تا سروصدا بخوابد. بعد از ۱۵ روز چند نفر از پیر مردان سرشناس و متعهد محل پیش خواهی و نندی میروند و تقاضای باز کردن ناوانی را میکنند و میگویند: در غیر این صورت با بد برای خرید ۵ تومان به شهر برویم و ۶ تومان کرمانشاه بدیم که روی هم رفته ۵ تومان نان، ۱۱ تومان برایمان تمام میشود. خواهی و نندی در جواب میگوید باید نام و نشانی غذا نقلابون را که در شهرک هستند بر ما بیاورید تا ناوانی را با زکتم ما چون مردم با این مزدور همگاری نمی کنند ناوانی همچنان بسته میماند توضیح: شهرک آنها هتا یک شهرک نیمه تمام است در چند کیلومتری کرمانشاه که در حدود ۱۵۰ خانوار آواره در بدترین شرایط در آن زندگی میکنند.

طلب سرخ بین المللی او اخر مرداد از زندان دیزل آباد کرمانشاه دیدن میکنند. روزی که قرار بود آنها بیایند بچه‌های زهر ۱۵ سال را به آنها گردش و تفریح به خارج از زندان منتقل

میکند. از طرف دیگر با اینکه در زندان تیفوس شایع شده بود و حتی یک نفر تا دم مرگ رفته بود مسئولین اصلا با این مسئله توجهی نداشتند ولی از موقعی که قرار بود طلب سرخ به باز دیدن زندان بیایند مزدوران رژیم شروع میکنند به واکن زدن.

وضع بهداشتی زندان بسیار کثرت زندانیان بسیار روختن است شیش - کم غذایی - نبودن مکان برای خواب بیداد میکند. وضعی که اردوگاه یهودیان در زمان جانیان فاشیست هیتلری را بیاد می آورد.

در هفته آخر مرداد نفر از زندانیان هوادا رمجا هدین موقع هوا خوری موفق به فرار از زندان میشوند ولی چون محله را نمی شناختند از منزل یک فالانز سردر می آورند که یک نفر از آنها در این خانه دستگیر شده ولی بقیه فرار میکنند. با سداران ارتجاع که برای بردن مجاهد زندانی آمده بودند. در حضور مردم کتک زیادی به او میزنند و از مردم میخواهند که بستگونها را در گرفته و تحویل دهند. یکی از پیرزنهای محل در جواب میگوید: تحویل بدهیم که آنها را قربانی کنید؟ تا حالا به اسم اسلام مجاهدان فرار کشته اند تا کی میخواهد جوانهای مملکت را به جرمهای بوج اعدام کنند. با سداران رژیم سرما به که هوا را پس میدیدند با جملاتی نظیر اینکه تونی فهمی شعور نداری و..... محل را ترک میکنند.

از تعداد ۱۵۸ نفر سربازی که جهت خدمت از همدان به کرمانشاه منتقل شده بودند تا به جبهه های غرب اعزام کردند ۱۸ نفر به دلیل شناخت ما هیت ضد انقلابی رژیم از رفتن به جبهه سربا زدند و از پا دگاه کرمانشاه فرار میکنند.

اخیرا جلوی در کارخانه توشیبا در رشت، دار بست بزرگی درست کرده اند و تصویر خمینی را روی آن نقاشی کرده اند که فقط خرج سیمانگاری آن حدود ۲۰ هزار تومان شده است گویا در آینه می خواهند عکس خامنه‌ای مطهری و سایر سردمداران رژیم را نیز نقاشی نمایند.

اخیرا ۸۲ نفر از معلمین را اخراج کرده اند که علاوه بر معلمین انقلابی یک نفر توده‌ای ۲۰ - ۳۰ نفر به بهانه اعتیاد، یک حزبی (احتمالا بدلیل اختلافات درونی شان) یک معلم مرده علت داشتن موی بلند جزو آنها بوده اند این پاکسازی توسط رئیس آموزش و پرورش - بنام داوری - که فردی به اصطلاح مکتبی و در واقع مزدور است صورت گرفته است اخراج این ۸۲ نفر موجی از

نا رضا بیتی و اعتراض را در میان مردم بوجود آورده است. شیراز:

رژیم سرما به داری جمهوری اسلامی و جنگ ارتجاعی که بمبر - افروخته است جز مرگ و بدبختی و فقر و فلاکت و در بدری برای مردم ایران نداشته است گزارش کوتاه یکی از رفقا از شیراز گوشه‌ای از این کرامات نکبت با رژیم را نشان میدهد:

روز چهارشنبه ۲۸ مرداد جلوی بیمارستان حافظی (اورژانس) یک وانت با در حالی که دوزخ در عقب آن بودند - ایستاد. حدود ظهر بود. یکی از زنهای داخل اورژانس رفت و دیدگری عقب وانت ما ند جلورفتیم. خود را آتش زده بود. نیم ساعتی گذشت و از آن زن خبری نشد خلاصه با داد و بیداد رفتیم یک برانکار رد گرفتیم وزن را در حالیکه فقط انگشتان پایش سالم مانده بود - روی برانکار رد گذاشتیم به محض اینکه روی برانکار قرار گرفت از هوش رفت از دکتر اورژانس در بیمارستان جزا حات او پرسیدم گفت ۹۶ درصد سوخته است و خواهد مرد.

هنگامیکه میبرون بودیم از او پرسیدم چرا اینکار را کردی گفت جنگ زده هستیم. زیر یک جا در تنوی خاک و کثافت بدون هیچ وسیله‌ای در این گرما - شوهرم هم بیچاره است و هر روز مرا میزند از مزور دیدگر طاقت نیاوردم و خود را آتش زدم. آری جنگ برای مردم زحمتکش این مملکت جز مرگ، فلاکت، بدبختی و در بدری چیزی نیست. ارمغان نیاورده است.

تهران :
۶۰/۶/۱۲ در تقاطع پارک وی فرزادها سداران را ندیده یک تاکسی را که مجاهدی را بدون اطلاع سوار کرده بود (گویا با سداران از شهرک غرب دنبال فرد مجاهد بوده اند که وی سوار تاکسی شده است با سداران تاکسی را تعقیب کردند و در تقاطع پشت چراغ قرمز او را گرفتند. (زیرکتک و ضربات قنذاق تنگ گرفته زهرا و بقیه مردم در قبال فریادهای بگیر بگیر یا سداران که مجاهد را دنبال میکردند اعتنائی نکرده و موفق به فرار گشته بود با سداران در حال فحاشی و کتک زنان را ندیده تاکسی را بردند در حالیکه مردم با خشم و نفرت با سداران ارتجاع را میگریستند و می گفتند: واقعا که اینها روی گاردشاهها را سفید کرده اند.

اخیرا (در تاریخ ۶۰/۶/۱۵) حدود ۲۳ نفر از پرسنل شخصی نیروی هوایی را که دارای افکار مترقی و تمایلات ضد رژیم بودند بعنوان ما زاد بر اختیاج اخراج کرده اند در قسمت الکترونیک (قصر فیروزه) بقیه در صفحه ۱۱

یادرفیق شهید محمود حسنی مقدم (سعید) گرامی بلا



دریک خانواده متوسط در شهرستان دماوند، در سال ۱۳۳۶ متولد شد. رفیق دوران تحصیلات ابتدائی خود را در دماوند و در دوران دبیرستان را در دماوند، آمل و تهران به پایان رسانید و در این دوران رفیق تا حدودی به کتب مارکسیستی - لنینیستی آشنائی یافته بود و به مطالعه آن ها میپرداخت و سرانجام با عشقی که همواره به زحمتمندان داشت، مارکسیسم - لنینیسم را بعنوان تنها ایدئولوژی طبقه کارگر پذیرا گشت. پس از اخذ دیپلم رفیق در رشته ریاضی - دانشسرای شمیران به تحصیل پرداخت و در همین جا بود که بطور فعال به فعالیت های انقلابی و مبارزاتی روی آورد و اولین فعالیتها را از تشکیل نمازگاه کتاب و عکس ویا ترتیب جلسات بحث در دانشسرا آغاز نمود. پشتکاری و شوری که رفیق در این فعالیتها از خود نشان میداد، موجب گشت که چندین بار از طرف ساواک تحت تعقیب قرار بگیرد. در رابطه با همین فعالیتها، رفیق چندین بار از جانب مسئولین دانشسرا به اخراج تهدید شد.

در همین دوران رفیق به سازمان پیکار و مواضع انقلابی آن گرایش یافت و سرانجام اولین سازمان را بعنوان پیگیرترین سازمان کمونیستی، ارزیابی نمود و به صف هواداران آن پیوست. رفیق در دوران رژیم شاه خائن، پس از پیوستن به صفوف سازمان، فعالیتها از هر زمانی به مبارزه پرداخت و هر جا که میتوانست در جنبش اعتراضی توده ها شرکت میجست و نیز در همین دوران اعلامیه های سازمان پیکار را در شهر دماوند پخش میکرد. با شوری و صفنا شدنی این شعله های آگای راهی را در میان توده ها و در محلات فقیرنشین شهر می پراکندویا..... در کلیسه راهبیمائی ها و میتینگ ها که بر علیه رژیم ضد خلقی شاه برپا میشد فعالانه شرکت میکرد و لحظه ای از توده های تحت ستمی که در این جنبشها شرکت اعتراضی شرکت جسته بودند، جدا نمیشد و در کلیه حرکات تعرضی آنها، خود در صفوف جلو به نبرد میپرداخت.

رفیق بعد از پایان دانشسرا به تدریس در مدارس مشغول شد. در دوران تدریس خود، همواره در ارتقاء و آگاهی انقلابی و کمونیستی شاگردانش میکشید و در همین رابطه

پیوندی عاطفی و انقلابی عمیق میان خود و شاگردانش برقرار ساخته بود. بطوریکه وقتی رفیق محمود با شیوه دمکراتیک از بچه های کلاسش خواست که از عملکرد وی گزارشی بنویسند، آن ها با صداقتی انقلابی آنچنان تحلیلی از وی کردند که واقعا نیز شایسته آن بود. رفیق محمود، در همین دوران تدریس بود که با کمیته معلمین سازمان در ارتباط قرار گرفت و در این بخش تا هنگام دستگیری اش فعالانه و بیگیرانه به وظایف انقلابی اش ادامه داد.

سرانجام در تاریخ شنبه ۲۰ تیر ماه ۱۳۶۰ رفیق در خانه اش مورد حمله مزدوران رژیم جلاد قرار گرفت، و به همراه همسرش و چند رفیق دیگر دستگیر شد. از جمله رفقای دیگر دستگیر شده در این خانه، رفیق شهید علیرضا سعادت (که با دنا معاش در بیکار ۱۲۵۰ درج گردید) و رفیق ها شمر می بودند که هر دو توسط مزدوران رژیم جلاد تیرباران شدند. رفیق در رژیم، در نیمه های شب به خانه رفیق محمود حمله بردند و جز چند جلد کتاب به جیب دیگری دست نیاقتند. مزدوران رژیم در این حمله وحشیانه مقداری از وسایل خانگی رفیق را نیز به بنما بردند و بدین ترتیب نشان دادند که وارثین حقیقی مغول ها و همسانان آنها در تاریخ هستند.

سرانجام رفیق محمود پس از یک ماه تحمل شکنجه و زندان، در تاریخ ۲۲ خرداد ماه به همراه رفیق ها شمر می (که به همراه وی دستگیر شده بود) و در کنا ۱۸ رفیق دیگر به پای جوخه های اعدا مبرده و تیرباران شدند.

خانواده رفیق در هفتمین روز شهادت رفیق و همزمان او، گرد آمده و با محمود و همزمانش را که همواره در قلب زحمتمندان زنده است، جاوید ساختند و با سرودها و شعرهای انقلابی، آرمان آنها را زنده نگاهداشته اند.

یادش گرامی و راهش پایدار باد!

بغلیه! از صفحه ۱۰ اخبار ۰۰۰۰
لیست صدر زیمی بود.
لیست ۸۰ نفره ای تهیه شده که قرار است از اول مهر حکم اخراج - شان صادر گردد.

بنا به اطلاع اخیرا (حدود یکماه) اداره ای بنا م حراست از جمهوری اسلامی در کلیه وزارت - خانه های رژیم دار گشته است که اعضای آن از بین کارمندان عضو انجمن اسلامی و یا افرادی چون امتی ها و رویزیونیستها میباشند. این افراد که غیر علنی میباشند وظیفه جاسوسی و کنترل سایر کارمندان را به عهده دارند. در مقابل کارمندان که متوجه جنبش توطئه ردیلانه ای گشته اند با هوش - باری و همکاری یکدیگر به شناسایی این مزدوران پرداخته و آنها را افشا و معرفی می نمایند.

ایلام:

۶/۶/۶۰ با مدا یا بنروز رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی یک پسر بچه ۱۶ ساله را اعدام میکنند. وی که برای مهمانی از سقز به ایلام آمده بود در موقع دستگیری تعدادی اعلامیه با خود داشت و رژیم سرمایه که از هر جرعه آگاهی سخت میهراسد به جرم همراه داشتن تعدادی اعلامیه آگاهانه نوجوان ۱۶ ساله ای را به جوخه اعدام میسپارد. تنگ و تنگت بر رژیم.

در تاریخ ۶/۶/۶۰ حدود ساعت ۶ یک زن و چند بچه کوچک همراه با او در جلوی سپاه پاسداران ایلام با صدای بلند شعار مرگ بر خمینی میدهند. پس از چند دقیقه پاسداران ارتجاع آنها را محاصره کرده و به داخل سپاه می - برند که تاکنون از وضع آنها خبری نیست. از قرا معلوم علت این حرکت این بوده که پسر این خانواده در مرز گشته شده بوده است. آشکار شدن ماهیت جنگ ارتجاعی دور رژیم ایران و عراق به مردم نشان داد که است که گشته شدن فرزندان شان در جبهه نه بخاطر منافع آنان بلکه بخاطر امیال پلید دور رژیم ارتجاعی ایران و عراق است.

نمونه زیر با زهم افشاگر ماهیت ارتجاعی رویزیونیستهاست که با تمام وجود در خدمت رژیم سرمایه - داری جمهوری اسلامی و سرکاری سرکوب مردم فعالیت میکنند. در کرمانشاه یک توده ای یا ساداری را که محصر کرایشی به مجاهدی - داشته لومیدهد و سر از دستگیری پاسدار مزبور - جابلیو به این خدمت "توده ای" خویش و کاسه داغ - ترازش بودن خود میمالد.

واقعا تجربیات خود توده ها چه خوب صحت نظر کمونیستهای واقعی که رویزیونیستها را مزدوران سرمایه و سرمایه داران میدانند و همیشه ماهیت کثیف شان را افشا کرده اند نشان میدهد.

بمناسبت شصت و چهارمین سالگرد انقلاب کبیرا کتبر و استقرار حاکمیت شوراهای

شصت و چهار سال پیش در اکتبر سال ۱۹۱۷ پرولتاریای قهرمان سراسر روسیه، با سرنگونی قهراً میز بورژوازی اولین کشورشوراها را بنیاد داشت و دیکتاتور پرولتاریا را بنیان نهاد. این حادثه عظیم تاریخی بعد از کمون پاریس، از مهم ترین دگرگونیهای عصر سرمایه داری و بیام آورد دوران احتضار آن بود. رسالت فروریختن اولین سنگهای بورژوازی جهانی و بی ریزی اولین سنگ بنای دنیای نوین، به عهده پرولتاریای قهرمان شوروی قرار گرفت و پرولتاریای شوروی با رهبری حزب کبیرلنین، این رسالت را به بهترین وجهی پاسخ گفت. اینک دروازه های سرمایه داری گشوده میشود و با استقرار دیکتاتور پرولتاریا، دنیای طراز نوین سوسیالیستی با بعرضه حیات می - گذاشت. آری انقلاب کبیرا کتبر، در واقع متعلق به تمامی کارگران و زحمتکشان جهان و اولین (به یک معنی دومین) بیروزی درخشان آنان در ساختن دنیای نوین بود. بیروزی کارگران و حاکمیت پرولتاریا و زحمتکشان، که اینک در شوراها متبلور شده بود، بقول لنین، "به دمکراسی متعلق به اکثریت عظیم اهالی یعنی استشاریوندگان و زحمتکشان چنان تکامل و توسعه ای داد که نظیر آن در جهان دیده نشده است." این حاکمیت ما هیست شیا دانسه و مالومانه دمکراسی های بورژوازی را بر ملا نمود و نشان داد که "دمکراسی پرولتری یک میلیون بار دمکراتیک تر از بورژوازی و حکومت شوروی یک میلیون بار دمکراتیک تر از دمکراتیک ترین جمهوری بورژوا - شیت" این حاکمیت نشان داد که "شوراها از زمان بلاواسطه خود توده های زحمتکش و استشاریونده هستند. سازمانی هستند که این امر را برای آنان تسهیل مینماید که خودشان دولت را بنیادارند و به هر نحوی بتوانند کشوردار کنند و با لایحه این حاکمیت نشان داد که پرولتاریا در جهت نابودی نظام طبقاتی و ممانعت از بازگشت بورژوازی برای درهم شکستن مقاومت بورژوازی، برای ایجاد درع و هراس در دل های مرتجعین، برای حفظ اتوریته مردم مسلح علیه بورژوازی و برای اینکه پرولتاریا بتواند دشمنان خویش را قهراً سرکوب نماید" به دیکتاتور پرولتاریا نیا زاست.

آری، انقلاب اکتبر و سوسیالیسم حاکمیت شوراها را لنینی، دومین تجربه حکومت کارگران بعد از کمون پاریس بود که با بعرضه حیات گذاشت و به این وسیله ناقوس سرگ بورژوازی را در سراسر جهان بعداً

در آورد. اهمیت جهانی و تاریخی اکتبر تنها در پیروزی یک انقلاب خلاصه نمیشد. ماهیت سوسیالیستی این انقلاب، آنرا از تمامی انقلابات دوره های پیشین تاریخی در سراسر جهان متمایز نموده و بیشتر دوران نوینی بود که اینبار یکسلی نظام طبقه ای، نظام استشاری و بردگی، نظام سرمایه داری، نظام سرمایه داری میشد. از این جهت این انقلاب نمیتوانست با مقاومت فشرده و متحد و یکپارچه و مدبارا فزونتر استوار امپریالیسم جهانی و بورژوازی داخلی و خارجی، در جهت نابودی حاکمیت شوراها، مواجه نگردد.

گذرا از سرمایه داری به کمونیسم یک دوران تاریخی تام و تمام است. مادام که این دوران سر نرسیده است، برای استشاریگران ناگزیرا میدا عاده قدرت باقی میماند و این امید همه به تلاشهای برای اعاده قدرت مبدل میشود. استشاریگران سرنگون شده که انتظار سرنگونی خود را نداشته اند، آنرا با ورنمیکردند و فکر آنرا هم به مخیله خود خطور نمیدادند. پس از نخستین شکست جدی با انرژی ده بار شدیدی تروبا سمیت و کبیرن نفرتی مدبارا فزونتر برای عودت "بهشت" زد دست رفته برای خاطر خانواده های خودی که آن زمان خوش و راحت میزیستند و اکنون "عوام - الناس" بنیان آنها را به خانه خرابی و فقر (باباگازاده) محکوم میبازند به نبرد دست میزنند. اما زمانیکه حزبی چون حزب بلشویک در اس پرولتاریای شوروی و اندیشه ای چون بلشویسم راهنمای این حزب بود، عاده قدرت بورژوازی ممکن نبود. اگر پیروزی درخشان اکتبر مرمون رهبری صحیح پرولتاریای سراسر روسیه و حزب بلشویک بود و اگر این حزب به اندیشه ای مسلح بود که تاریخ عملی ۱۵ ساله ای را (۱۹۰۳ - ۱۹۱۷) با متنوع ترین اشکال مبارزاتی و در شرایط مختلف گذرانیده بود، که آنرا چون سنگ خارا ساخت و پولادین نموده بود، مسلماً و تا زمانیکه پرولتاریا و حزب وی برای اندیشه مسلط بود، نمیتوانست انقلاب را به جلو سوق داده و سنگرهای بورژوازی را یکی پس از دیگری فتح و نابود نماید و چنین سبب شد، انقلاب به رهبری حزب کمونیست و پیشروای بزرگ پرولتاریای جهان لنین و

سپس استالین پیش میرفت و جهان سرمایه داری را به وحشت مرگ و نابودی انداخته بود. انقلاب در سراسر جهان با الهام از انقلاب اکتبر و تحت تاثیر آن بالا میگرفت و دروازه های سرمایه داری را میگوید اما پس از گذشت استالین، به تدریج دشمنان نقابدار پرولتاریا، این رویزیونیستهای ضد انقلابی بر حزب چیره شده و اینبار رقلعه را از درون شخیر نمودند. بلشویسم در معرض تهاجم و تاخت و تاز همه جانبه روزیونیم نوپا قرار گرفت و رویزیونیسم خروشجفی بعنوان رویزیونیسم مدرن بر حزب کمونیست شوروی مسلط شد. حزب کمونیست با مسلط شدن خاشنین به طبقه کارگر بر آن، تغییر ماهیت داده و به ابزار نفوذ و حاکمیت بورژوازی بر طبقه کارگر، تبدیل شد. با تغییر ماهیت حزب به یک حزب ضد انقلابی و بورژوازی، مسلماً دیگر سخسی از سوسیالیسم نمیتوانست مطرح باشد. ساختمان سوسیالیسم در معرض تهاجم سرمایه داری نوپا قرار گرفت و سرمایه داری دولتی پا گرفت. ارزش اخلاقی به جریان افتاد و میلیونها کارگر و زحمتکش شوروی با ردیگر به اسارت سرمایه داری شدند. حکومت شوراها به یک حکومت تمام عیار بورژوازی امپریالیستی تغییر ماهیت داد. آری بورژوازی پس از نخستین شکست جدی با انرژی ده بار شدیدی و با سمیت و کبیرن و نفرتی "مدبارا فزونتر برای عودت "بهشت" زد دست رفته به نبرد دست میزند" اما بورژوازی و امپریالیسم نمیتواند از مرنوشت محتوم خویش گریز داشته باشد. عصر ما، عصر انقلابات پرولتری عصر گذرا از سرمایه داری به سوسیالیسم، عصر گذرا به دنیای نوین است. گوا اینکه این گذار بدلیل اهمیت تاریخی و پیچیدگی تطویران دردناک صورت گرفته و با کش و قوسها، فرازونشیبها و شکست و پیروزیهای فراوان همراه است. گوا اینکه تجربه پیروزی اکتبر، زندگی و حیاسات چندین دهه الهام این انقلاب و سپس استحاله آن توسط سوسیالیسم - امپریالیستهای خروشجفی و همبطور سرنوشت انقلاب چین پس از چندین دهه سال حاکمیت پرولتاریا، نشان میداد که این دوره گذار، بدلیل قدرت جهانی امپریالیسم سرمایه داری پس از فرنج و پیچیده است. اما طبقه در صفحه ۱۶

زنده باد سوسیالیسم!



بها ۴۰ ریال

۱۳۶۰

سال سوم - دوشنبه ۲۵ تیر



بها ۴۰ ریال

۱۳۶۰

سال سوم - دوشنبه ۲۵ تان



بها ۴۰ ریال

۱۳۶۰

سال سوم - دوشنبه ۲۵ تان



بها ۴۰ ریال

۱۳۶۰

سال سوم - دوشنبه ۲۵ تان

رفیق شهید اسماعیل حسن وند، سمبل نسلی از بلشویکهای جوان



در جامعه ما در این شرایط خیلی ها میگردند و با مرگ روبهرو میشوند ولی مرگ همه آنها به یک شکل در محیط خود موثر نمی افتد. مرگ بعضی ها چنان سنگین است که به سنگینی قله انبر زوشها دت رفیق اسماعیل از این نوع بود.

رفیق شهید اسماعیل حسن وند در اسفندماه سال ۱۳۴۲ در یک خانواده کارگری و فقیر بدنی آمد و فقر چنان از سروروی خانواده رفیق میبارید که وی را بجای شیر آب جوش و نشاسته بزرگ کردند. خانواده رفیق کاملاً سیاسی نبود و رفیق از سن ۱۲ سالگی با سیاست آشنا شد و به مطالعه آثار مبدعین و نویسندگان پرداخت. وی از اوائل جنبش توفنده توده ها علیه رژیم منحوس شاه در صف مقدم مبارزات مردم و بخصوص دانش آموزان بود و طوریکه کمتر مبارزه ای و یا تحصن و اعتصابی را خصوصاً در سطح مدارس میتوان سراغ داشت که رفیق نقشی فعال در آن نداشت. رفیق در سال ۵۷ در جریان یورش دانش آموزان به دبیرستان ملی که ویژه بچه های مرفه بود "به آتش کشیدن دفتر مدرسه پهلوی" که مسئول آن اعتصاب شکن بود "و همچنین حمله به بانکها نقش برجسته و کاملاً چشمگیر داشت. بطوریکه پلیس فاشیست شاه برای دستگیری رفیق به خانه شان یورش برد. علاوه بر آن رفیق در ۲۲ بهمن ۵۷ که توده ها و نیروهای انقلابی به ژاندارمری شهر حمله کردند نیز حضور فعال داشت.

بعد از قیام ۵۷ رفیق در مبارزات دانش آموزی مدارس همبازا نشی داشت. بطوریکه رفیق از مسئولین بخش دانش آموزی تشکیلات هوادار مسجد سلیمان و مسئولیت هسته دبیرستان خود "۱۷ شهریور" را داشت. در اوائل سال ۵۸ که "دفتر سیاسی طرفداران طبقه کارگر" در مسجد سلیمان تشکیل شد او یکی از رفقای فعال و خوب قسمت بخش

دفتر بود که به کمک یکی دور رفیق دیگر مسئول بخش چندین محله بود. خلافت، استعداد و صلاحیتهای رفیق چنان بود که با پا گرفتار تشکیلات هوادار سال زمان بیکار در این شهر در نیمه دوم سال ۵۸ رفیق مسئولیت تحویل گرفتار نشی را عهده دار شد.

رفیق گاهی با اعتقاد در زیر آفتاب گرم جنوب برای گرفتار نشی تیر و صرف میکرد و در این زمان که بیش از ۱۵ سال نداشت با جبهه نحیف ولی پرابهت کار رتبه های سنگین نشی را تحمل و نقل میکرد و آن را به کمال خاص خود میرساند. علیرغم کنترل شدید و دقیق دروازه شهر، رفیق با زرنگی خاص نشی را

را از طرق مختلف وارد شهر مینمود و دشمن را عاجز و زبون میساخت. رفیق چنان علاقه به مبارزه داشت که با وجود حمایت و وظیفه اش توصیه مسئولین یکدم از پیروی نمی نشست و خواهان کار و مسئولیت های بیشتر بود. بطوریکه در برخی محلات نیز در امر تبلیغ و بخشش اعلامیه و شعارنویسی نیز به فعالیت های جدید دیگر میپرداخت. رفیق در تشکیلات روز بروز بیشتر رشد مینمود و ارتقا می یافت بطوریکه مسئولیت های جدیدتری به عهده او گذاشته میشد.

رفیق برآیند رابط "بیک تشکیلات مسجد سلیمان با تشکیلات مرکزی جنوب گردید و علاوه بر آن در تیم چاپ نیز با زماندهی شدیدی از اعضا موثر تیم چاپ گردید. رفیق گاهی ۲۰ ساعت از شبانه روز را کار میکرد و ساعتها در خانه چاپ به چاپ نشیات محلی و اعلامیه ها میپرداخت و پس از آن راهی محلات میشد تا در توزیع آن نیز به دیگر رفقا کمک کند و بموقع نیز برای ارتباط گیری و رساندن بیک از شهر خارج میشد.

آری رفیق دیگر به معنای واقعی یک بلشویک بود، بلشویکی جوان که نرده های ترقی و تکامل

ایدئولوژیک تشکیلاتی را یکی بعد از دیگری می پیچود. رفیق همیشه هر مسئولیتی را با آغوش باز و لبهای خندان می پذیرفت.

از خصوصیات بارز رفیق ایمان عظیم و عشق آتشین به طبقه کارگر همراه با شجاعت و جسارتی بی مانند و روحیه شاد و بهشتی وی میباشد. شادکامی اسماعیل را ندیده با شادکامی روزی افسرده و غمگین باشد همیشه شاد و خندان بود و به پیروزی توده ها ایمان داشت و در راه مبارزه طبقاتی هرگز هراسی بخود راه نمیداد. در همه جا پیشقدم و پیشاهنگ بود.

در جریان سیل اخیر خوزستان (بهمن ۵۸) نقشی واقعاً فعال داشت و در حالی که در روزهای اول رفقای بالای تشکیلات حاج و واج مانده بودند، رفیق دست بکار شد، به کمک چند دانش آموز دیگر در محلات

شهر اقدام به جمع آوری کمک و امکانات از قبیل لباس، پتو، غذا و دارو نمود. پس از برپا نشی چادر کمپته جوانان مبارز مسجد سلیمان جهت کمک به سیزدگان، همه روزه با کوله باری از غذا و دارو و به همراه دیگر رفقا پس از عبور از کوه های صعب العبور (چراگاه پل ها را آب برده بود) به کمک ایل نشینان بختیاری میشتافت و در کنار آن به کار آگاهان و افشای ماهیت رژیم جمهوری اسلامی در میان زحمتکشان سیزده نیز می پرداخت. بر اثر پشتکارش در این زمان از مسئولین حمل و نقل آذوقه و... به روستا شد. پس از جریان سیل رفیق در انتخابات مجلس نیز نقش فعالی داشت و با تکثیر اعلامیه ها و تراکتهای فراوان در اتاقهای بی روزنه به کار میپرداخت بطوریکه تا مدتی از رفتن به مدرسه خودداری کرد.

با اواخر در اردیبهشت ۵۹ رفیق بهنگام تحویل گرفتن کارتشن نشیات بوسیله سیا، جهل و سرمایه دستگیر میشود و علیرغم کم و تبلیغات دروغین رژیم در آن زمان که بچه های کمتر از ۱۸ سال را به سه ماه حبس محکوم می نمایند، پس از فشارهای زیاد به رفیق جهت پیدا کردن عامل فرستنده که ناسا موفق میمانند به یک سال حبس محکوم می گردد. رفیق ۶ ماه را در زندان می گذراند و بدنبال آغاز جنگ ارتجاعی ایران و عراق و از آنجا که زندان کاروان هوازد در رتبه رس آتش توپخانه عراق بود، رفیق را که سنش کم و حبس سنگینی نداشت به همراه چندتن دیگر از رفقای هم سن و سالش آزاد میکنند دوران زندان رفیق را با زهم آبدیده تر نمود و او از کوران مبارزه طبقاتی سربلند بیرون آمده و این بار آبدیده تر به مبارزه طبقاتی روی میآورد. رفیق همچنان در تشکیلات رشد می نماید بطوریکه یکی از مسئولین بسیار فعال بخش تبلیغات میشود رفیق که دیگر از این زمان به بعد کمونیستی حرفه ای گشته بود و نشی با شغل های بیک در محل ها روان بقیه در صفحه ۱۸

فنگ و نفرت بر رژیم جمهوری اسلامی، عامل کشتار صدها کمونیست و انقلابی!

بقبه از صفحہ ۱۵	سرباز جبہ سومار
ما ہنہر:	۵۰۰۰
ب	۱۱۱۰۰۰
م معلم	۵۰۰۰
ب بیکار	۱۱۰۰
ع کارمند	۴۰۰۰
ش کارمند	۵۰۰۰
م معلم	۲۲۰۰۰
ہ کارمند	۵۰۰۰
ہ مجدی	۱۰۰۰۰
ش کارمند	۲۰۰۰
ب بیکار	۲۰۰۰
د معلم	۱۰۰۰۰
م معلم	۱۰۰۰
مسافر کارمند	۳۰۰۰
د کارمند	۲۰۰۰۰
ز کارمند	۹۰۰۰۰
ف کارمند	۲۰۰۰
ر کارمند	۱۰۰۰
ح د کارمند	۳۰۰۰
زن خانہ دار	۲۰۰۰
خانوادہ ہوادار	۱۰۰
سلا کارگزار نشستہ	۱۵۰۰۰
رفقای رزمی	۲۵۰۰
عقاب کارگر	۳۰۰۰
۱- اردبیل ۳- ۱۷	۱۰۰۰
۲- بوشہر - ر - فا حاصل کار	
مدام و صرفہ جوئی برای روزمادای	
سازمان ۲۷۳۶۰۰ ریال	
۳- رامہرمز - رفقای د - د - ۲۳۲۰۰۰ +	
یک سکہ ربع پهلوی + ۳۰ لیتر	
بنزین + ۵۰۰۰	
۴- بہمان - د معلم آوارہ	۵۰۰۰
۵- سربندر - آوارہ محمرہ ۲۰۰۰۰ س	
دبیلیمہ بیکار	۱۰۰۰
۶- آغا جاری - رفقای د - د - ۸۳۶۰۰۰ +	
۷۰۰۰۰ + ۲۹۰۰۰ + ۲۱۰۰۰ + ۱۵۰ لیتر	
بنزین	

بقبہ از صفحہ ۱۷ رقیق ۵۰۰۰۰۰
 بود چرا کہ ہر شرط جنگ ارتحائی
 دیگر مکان کار غلئی در روز میسر
 نبود و دیوارهای شهر را با شاعرهای
 کمونیستی رنگین مینمودند و صدای
 زحمتکشان را کہ از گرانہ و بیکاری
 بہ تنگ آمدہ بودند بوسلہ شعار
 برد و دیوارهای شہر با کمک دیگر
 رفقای منعکس میساخت . درماہهای
 اخیر کہ نقش تسلیمات در تشکیلات
 ہرستہ ترمیشود رقیق وارد تشلیفات
 حرفہای تشکیلات میشود و بعلت
 موقعیت حاشیای "س . ب" بہ کار
 می پردازد و پس از تغییر و تحولات
 ماہہای اخیر و پس از فعالیتہای
 شبانہ روزی اش در بخش "س . ب"
 دوبارہ بہ تشکیلات "د . د" ہر میگردد و
 مسئول ہستہ حرفہای تبلیغات
 در شاعر نویسی و بخش اعلامیہ
 میگردد . فعالیتہای پیگیرو
 خستگی ناپذیر رقیق خواب را از
 چشم ہر دشمن ربودہ و بسی شبہا کہ از
 تیررس گلولہهای دشمن گریختہ
 بود . در شرایط اوج گیری جنبش
 تودہ ہا رقیق بہ کمک دیگر رفقا
 در شکستن جواختناق شہر درماہہای
 اخیر نقش عظیم داشت و در یک ماہ
 اخیر "درا دیبہشت ماہ" بہ ہنگامی
 کہ در یک تیم محافظ از دیگر رفقای
 فروش و بخش محافظت مینمود برای
 رہائی یک رقیق از دست حزب
 الہی ہا درگیر میشود کہ موفق بہ
 نجات رقیق بخش شدہ لیکن خنود
 رقیق اسماعیل دوبارہ دستگیر
 میشود بہ شدت مورد ضرب و شتم
 حزب الہی ہا و افراد بسیج قرار
 میگردد لیکن چون از رقیق مدارکی
 بدست نیامدہ بودند فردای آن روز او را
 آزاد میکنند . رقیق در حرکتہای
 تودہای اخیر و جریان ۳۰ خرداد
 بہا رقیق بود و پس از اعدا مہای

دستہ جمعی اخیر در ہفتہ اول تیر
 ماہ رقیق اسماعیل با ہستہ تیمی
 خود بہ ہنگامی کہ نیمہ شب برای
 افشای و محکوم کردن اعدا مہای
 دستہ جمعی مسئول شعار نویسی
 بود دستگیر و پس از شکنجہ های
 فراوان و خونریزی ناشی از شکنجہ
 و در زیر مراقبت شدید در سحرگاہ
 شنبہ ۲۰ تیر ماہ جلوجو خاہ عدام
 قرار میگردد و با این کہ رژیم از او
 خواستہ بود کہ توبہ کند و کتب علیہ
 سازمان خود چیزی بنویسد تا
 آزادیش را با زیاد لیکن رقیق
 حماسہ آفرین بہ دادستان و حاکم
 شرع فاشیست "خزائی و بہرامی"
 "تہ گفت و بلشویک وارد حالیکہ
 هنوز ۱۸ سالش تمام نشدہ بود جان
 خود را نثار طبقہ کارگر و تودہ های
 زحمتکش میهنش نمود . رقیق را
 دژ خیمان ہمراہ با یک مجاہد خلق
 پس از اعدا مہا لباس خونینشان
 بہ خاک می سپرند . پس از آن کہ خبر
 اعدا مہا رقیق در شہر بخش میشود
 خانوادہ و بستگانش بہمراہ تودہ -
 ہا رقیق را اجنگ و دندان از
 زیر خاک بیرون آوردہ و پس از
 انجام مراسم با احترامی عمیق
 بہ او آرمانشوی را بہ خاک
 می سپارند . طبق برخی اخبار رقیق
 را وحشیانہ شکنجہ نمودہ نش را با
 سیگار سوزانندہ بودند و دستش را
 شکستہ بودند و بدین ترتیب ،
 بلشویکی جوان با جوہر کمونیستی
 خویش ، استوار و سوار شدند بر ابر
 سرب های داغ قامت برا فراشت و
 بانگای در آفتاب سرخ آرمان
 سوسیالیسم ، آتش تیر را بر بیکر
 سرشا را ز کینہ اش پذیرا گشت .
 یادش جاودان و راہش
 پایدار بساد .



درود بر تمامی شہدای بخون خفتہ خلق

بقیه از صفحه ۲۰ شهادت ۰۰۰۰
منطقه از لوٹ وجودا بین مزدوران بود و سرانجام در مبارزه علیه مرتجعین در تاریخ ۶/۶/۱۱ با گلوله مزدوران به شهادت رسید و خون خویش را وثیقه راهائی و زحمتکشان نمود.
پادش را با ادا راهش گرامی بداریم.



رفیق پیشمرگ شهید
زرگار شیخ الاسلامی

رفیق در سال ۱۳۴۰ در خانواده ای متوسط در شهر مریوان بدنیا آمد در همان اوان جوانی تحصیلاتش را در شیرجوسی خانوادگی با مسائل سیاسی آشنائی پیدا کرد. در سالهای قبل از قیام یکی از عناصر فعال جنبش دانش آموزی بود، وی بهمراه دیگر همفکران خود اعتراضات دانش آموزی را علیه رژیم ارتجاعی شاه سازماندهی میکردند و اعتراضات و راهبیمانیها و میتینگها که باعث جلب مردم بطرف انقلاب میشد، شرکت فعالی داشت. رفیق همچنین از سوی ساواک نیز تحت پیگرد قرار داشت.

رفیق در بحبوحه مبارزات توده ای در سال ۵۷ با چندتن دیگر از رفقای خود برای سازماندهی مبارزات دانش آموزان و پیوند آن با جنبش توده ای، کانون محصلین مریوان را بوجود آوردند. کانون برای شرکتیهای بیدریغ رفقا یکی از مراکز مهم تجمع و تشکل دانش آموزان گردید. رفیق به همراه دیگر رفقا در کانون برای بالابردن سطح آگاهی دانش آموزان و نیز توده های مردم از تمام امکانات موجود مانند چاپ نشریه اعلامیه، اجرای نمايشنامه، سرگزاري نمايشگاه و در شرکت کردن کتابخانه ها و نیز شرکت عملی در کارهای دسته جمعی استفاده میکردند. و در عین حال رفیق در تماس نزدیکی با اتحادیه دهقانان بود و در کوچ تاریخی مردم مریوان

نقش فعالی داشت.
رفیق در بوش ۲۸ مرداد ماه ۵۸ که همراه چندتن دیگر دستگیر شد. که بعد از آزاد شدن دوباره فعالیت مبارزاتی خود را از سر گرفت و در همین اوان با تشکلات پیکار سازمان سنندج تماس گرفت و بطور فعالی در جنبش دانش آموزان علیه حضور مزدوران رژیم در شهر شرکت میکرد.

بعد از آزاد شدن شهرها رفیق فعالیت خود را در کانون محصلین مریوان ادا می کرد که در اجرائی نمايشنامه ۹ شهید و نیز چندین نمايشنامه دیگر شرکت فعالی داشت و در عین حال در بخش نشریات و اعلامیه های سازمان و نیز تبلیغ مواضع سازمان نقش بسزائی داشت رفیق مدتی در شهر سقز و سنندج پیشمرگه بود در جریان جنگ یک ماهه مریوان در "بنکه ها" به فعالیت پرداخت و مدتی بعد از تخلیه شهر به پیشمرگان پیوست.

رفیق در مدت زمانی که پیشمرگه بود در کارهای عملی و سیاسی شور و شوق زیادی از خود نشان میداد و در بالا بردن سطح آگاهی سیاسی و تشویق خود و دیگر رفقای کوشا بود. رفیق برای مدتی در جمع مسئولین مفروض جمع مسئولین آموزشی سیاسی پیشمرگان "پدل" شهید گردید.

سرانجام رفیق در درگیری با نیروهای مزدور و مکررات و زنگاری در منطقه کامیاران در حالیکه در اول جنبه بود به شهادت رسید.
پادش گرامی باد!



رفیق پیشمرگ شهید
ارسلان خلیلی

رفیق ارسلان خلیلی در سال ۱۳۴۱ در یک خانواده زحمتکش در شهر سنندج متولد شد. او در تمام طول زندگی کوتاهش با درد و رنج زحمتکشان آشنا بود، از همین رو با برآمدن جنبش انقلابی در سراسر ایران با وجود سن و سال کم، بطور فعال در مبارزات دانش آموزان، در تظاهرات، اعتصابات، بخش

اعلامیه و... شرکت حث. بعد از قیام با او جگیری مبارزات توده ها در کردستان همراه دیگر رفقای خود در ایجا دینکه های محلات درسندج نقش فعال داشت و یکی از فعالین بنکه "تازه آباد" بود. شایستگی و جرات و شهامت انقلابی رفیق به حدی بود که از همان ابتدا بعنوان مسئول کمیته نظامی بنکه انتخاب شد. وی در دوران فعالیتش در "بنکه" با شور و علاقه ای فراوان به آموزش نظامی افراد "بنکه" و محصلین میپرداخت. رفقا و دوستانش در "بنکه" خاطره فداکاریها و صبوری حوصله رفیق را در آموزشهای نظامی و... فراموش نخواهند کرد. با شروع بورش ضد انقلابی رژیم به کردستان در بهار ۵۹ کک ارسلان بعنوان یک پیشمرگ انقلابی دوشادوش سایر پیشمرگان در مقاومت حماسه آفرین ۲۳ روزه مردم مبارز سنندج در مقابل بورش وحشیانه رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی شرکت فعال داشت و بهنگام خروج پیشمرگان از شهر، رفیق به صف پیشمرگان سازمان پیکار پیوست و تا لحظه شهادتش در سنگر سازمان علیه سرمایه داری جمهوری اسلامی و نیروهای سرکوبگر طبقه سرمایه دار و در خدمت آرمان طبقه کارگر پیکار نمود.

رفیق ارسلان نمونه کاملی از یک پیشمرگ انقلابی و کمونیست بود و شور و شوق مبارزاتی، صداقت انقلابی، شجاعت و جرات رفیق در درگیریهای نظامی از صفات بارز او بود و همین خصوصیات رفیق را از محبوبیتی خاص در نزد رفقای سازمان و زحمتکشان منطقه کامیاران و "راورد" برخوردار کرده بود. مقاومت قهرمانانه رفیق بهمراه ۹ تن دیگر از همزمانش در درگیری "گوله ساره" با یک ستون عظیم زارتش و جاش و پاسدار در زمستان ۵۹ افتخار آفرین بود. در این درگیری رفیق پس از آن که تا آخرین فشنگ مقاومت میکند در حالیکه بر اثر اصابت دو گلوله (یکی به سر و دیگری به رانش) زخمی گردیده و همراه ۴ رفیق دیگر در محاصره دشمن قرار گرفته بود، وصیت نامه ای که به خونش آغشته شده بود مینویسد. این وصیتنامه که بعد از زینت بخش صفات نشریه پیکار ۱۳۰ آبان نیز گردید عمق کینه طبقاتی وی را نسبت به دشمن و عشقش را به آرمان پرولتاریا نشان میداد. او در لحظاتی که سگرش آماج گلوله های دشمن بود و او آخرین فشنگ را برای خود نگاه داشته بود، در دفترچه خون آلودش نوشت:

"... دشمن به ما رحم نمیکند ما هم نباید به دشمن رحم کنیم. مبارزه طبقاتی یعنی بی رحمی به دشمن. من افتخار میکنم که مرگم در خدمت آزادی طبقه کارگر و بقیه در صفحه ۱۶"

شهادت سه رفیق پیشمرگه قهرمان در کامیابان، برگزیدگی از جنایات حزب دمکرات و مزدوران زرگاری:

خلق کرد در مبارزه قهرمانانه اش در دو سال و نیم اخیر، فقط دشمنان آشکار و پنهانی نظیر رژیم جمهوری اسلامی را در برابر خود ندانده است، بلکه دشمنان دوست نمایی که در صفوف وی رخنه کرده اند، نیز همواره خنجر بدست، آماده وارد آوردن ضربه بر پیکر خونین اما استوار این خلق دلیر بوده اند. حزب دمکرات کردستان، در پوشش طرفداری از منافع خلق کرد همواره مترصد وارد آوردن ضربه جدیدی بر جنبش انقلابی کردستان، بوده است و این ضربات را به اشکال مختلف و بویژه در لحظات حساس و خطرناک آن وارد آورده است. جنایات مزدوران این حزب در کردستان نسبت به نیروهای کمونیست و نماندگان واقعی جنبش انقلابی کردستان،

کوشه‌های از این ضدیت دیرینه طبقاتی "حزب" نسبت به منافع کارگران و زحمتکشان و خلقهای تحت ستم و نیروهای آگاه کمونیست را به نمایش میگذارد. همین یکسال پیش بود که این حزب در بوکان بنا نهاد جم‌ضدا انقلابی اش به مقر سابق در این شهر، ۳۰ رفیق قهرمان ما را به شهادت رسانید، تعداد زیادی را دستگیر نمود (که بعداً تحت فشار توده‌های خلق کرد و نیروهای انقلابی آزاد گردیدند) و اموال مقرر را به غارت برد. و اکنون آخرین و تازه‌ترین خیانت و جنایت این حزب در مقابله و ضدیت با نیروهای انقلابی کمونیست در کردستان، تحمیل یک درگیری مسلحانه به همراه ضدا انقلابیون زرگاری، به ما و رفقای کومله در منطقه کامیابان

بود که منجر به شهادت ۳ رفیق پیشمرگه از سا زمان ما و چند رفیق پیشمرگه از کومله گردید. این رفقای قهرمان به همراه دیگر پیشمرگه‌های دلاور دوسا زمان با مقاومت و تعرض متقابل خود در برابر یورش ضدا انقلابی این اشکالاتنا مقدس، نشان دادند که در برابر هورتها جمی به منافع خلق کرد و از آن جمله نیروهای انقلابی واقعی جنبش مقاومت، قهرمانانه ایستادگی مینمایند. رفقای پیشمرگه شهید، رفیق زرگار شیخ - الاسلامی، رفیق ارسلان خلیلی و رفیق اسدملواتی، سه رفیقی بودند که در این نبرد قهرمانانه مقاومت کردند، جنگیدند و سرانجام جان باختند. یادورا هسان گرامی باد.



رفیق پیشمرگه شهید
کاکه اسدملواتی

رفیق اسد در سال ۱۳۳۹ در یک خانواده کارگری در سنندج بدنیا آمد. بعد از فراغت از دبیرستان رفیق در حین تحصیلاتش از طریق کار کردن بخشی از مخارج خانواده را تامین میکرد و بدین جهت از نزدیک با دروینج زحمتکشان که خود از میان آنها برخاسته بودند آشنا بود. رفیق اسد با اوجگیری مبارزات خلقهای ایران در سال ۵۶ با مسائل سیاسی آشنا شد و در تظاهرات و راهپیمایی قبل از قیام علیه رژیم جلالدهلوی نقش فعالی داشت و نیز یکی از پیشاهنگان جنبش دانش آموزی در سنندج بود. عشق و علاقه بی پایان رفیق به زحمتکشان وی را وادار میکرد که هر چه بیشتر به آنها نزدیک شود و به میان آنان برود و یکدم از کار

آگاهان در میان آنان کوتاهی نمیکرد. بعد از قیام به دنبال اوجگیری مبارزات زحمتکشان کردستان رفیق همچنان به مبارزات خود ادامه داده و در راهیما می مردم سنندج بطرف بیرون نقش فعالی داشت. هنگام یورش ضدا انقلابی رژیم به کردستان در مردادماه ۵۸ مقاومت انقلابی خلق کرد، رفیق در شرایط خفان رژیم در شهرها به ضرورت هسته های نظامی پی برد و با کمک دوستانش در میب گذاری مراکز جاشا شرکت فعالی داشت و در ادامه آن در حمله به استانداری که محل استقرار مزدوران بود رفیق فعالانه شرکت نمود. بعد از شکست رژیم در یورش خود و با زین گرفتن شهرها رفیق در ادامه فعالیت خود به ضرورت کار تشکیلاتی پی برد و در این رابطه با قبول خط مشی سیاسی و تشکیلاتی سازمان پیکار با هواداران سازمان تماس گرفت و بطور علنی در دفتر سازمان در سنندج به مقاومت پرداخت. سپس بنا به درخواست خود و عشق و علاقه فراوان به کار پیشمرگه ای به صفوف پیشمرگان سازمان پیوست. بعد از مدتی رفیق بنا به یک وظیفه تشکیلاتی به همراه دسته ای از پیشمرگان به سقزا اعزام گردید، انتقال رفیق همزمان بود با درگیری شهر سقز که رفیق همراه با پیشمرگان سازمان و مردم مبارز شهر به مقاومت در برابر تهاجم مزدوران رژیم پرداختند. بعد از تخلیه شهر توسط پیشمرگان بعد از مدتی به منطقه کامیابان منتقل گردید و در آنجا هم در درگیریهای

نظامی شرکت فعال مینمود. رفیق یکی از پیشمرگان جسور و شجاع سا زمان بود که همواره در صف مقدم جبهه بود و در ضمن رفیق مخصوصاً در عملیات نارتجک اندازی مهارت خاصی داشت. توانائی های رفیق و عشق و علاقه وی زحمتکشان موجب شد که سا زمان در شهریورماه ۵۹ وی را بنا به یک وظیفه تشکیلاتی به بلوچستان بفرستد. و در آنجا رفیق در مبارزات خلق بلوچ شرکت نموده و به ارتقاء نظامی هواداران و عناصر تشکیلاتی سا زمان پرداخت و بیوند عمیقی با زحمتکشان برقرار نمود. رفیق در بلوچستان با اسم مستعار "حسین" فعالیت مینمود. بعد از ۸ ماه رفیق دوباره به کردستان بازگشت و در منطقه کامیابان به فعالیت مبارزاتی خود ادامه داد و به علت توانائی هائی که داشت در یکی از حوزه های سازمانی سازماندهی شد، بطوریکه چشم انداز نزدیک آینده عضویت را داشت. خصوصیات انقلابی رفیق درس و تجربه ای بود برای دیگر رفقای پیش، برخوردار بوده ای، کارآگاهانه با توده ها و متانت و انضباط پرولتری رفیق همواره زبا نزد دیگر رفقایش بود. صداقت، جسارت و خستگی ناپذیر بودن رفیق در امر مبارزه، برخورد انقلابی به انتقادات خویش موجب شده بود که رفیق در میان دوستانش چهره محبوبی به خود بگیرد. هنگام شروع درگیری با مزدوران زرگاری - دمکرات در منطقه کامیابان رفیق یکی از پیشمرگانی بود که همواره در روحیه تعرضی داشت و خواهان پاکسازی

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

بقیه در صفحه ۱۹